

Configuration of Basic Principles of Development in the Nordic Model

Reza Rahmati *

Abstract

The Nordic model has become a brand at the international political economy; the adoption of the social-democratic model has had more effects than a pure economic consequences. However, although the application of the principles of free market, innovation and free trade has brought welfare states into the industrialized world with high levels of GDP and high quality of living standards, it is this special social construction and political stability that has enabled them to experience this level of economic and social capital. This social construction and political stability is the result of the intellectual-social context of the Nordic field. Nordic universal welfare states have a system of social welfare, the provision of social and public services. Each tradition has formed a hybrid system of both the social democratic model and capitalist model in the Nordic region. The current study aims to find how socio-cultural traditions have formulated both the formation and the solution of the difficulties and dilemmas of the Nordic model of universal welfare state. Consequently, based on a descriptive-explanatory method, this article examines the socio-cultural traditions of the Nordic society, including the free peasant tradition, the socialist utopia tradition, the capitalist and the governing tradition, and explains how to configure these traditions in principles foundations of "human development", "hybrid economy", "social capital" and "public trust", "equality", "solidarity and property" and "Nordic development model".

Keywords: Nordic Model, Development, Hybrid System, Welfare state, Scandinavia. Iran.

Article Type: Research Article.

Citation: Rahmati, Reza (2021). Configuration of Basic Principles of Development in the Nordic Model, 4(1), 195-235.

* Assistant professor, International Relations, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali University, Hamedan, Iran.

(Correspondent Author), r.rahmati@basu.ac.ir



International Political Economy Studies, 2021, Vol. 4, Issue 1, pp. 195-235.

Copyright © The Authors

Publisher: Razi University.



صورت‌بندی اصول بنیادین توسعه در مدل نوردیک

رضا رحمتی *

چکیده

مدل نوردیک تبدیل به یک نشان (برند) در سطح اقتصاد سیاسی بین‌الملل شده است. پذیرش مدل سوسیال‌دموکرات تأثیراتی بسیار فراتر از نتایج صرف اقتصادی ایجاد کرده است. با این حال اگرچه اعمال اصول بازار آزاد، نوآوری و تجارت، دولت‌های رفاه را در میان جهان صنعتی شده با تراز بالای GDP و کیفیت بالای استانداردهای زندگی رسانده است؛ اما ساخت ویژه اجتماعی و ثبات سیاسی دولت‌ها را قادر می‌سازد تا این سطح از سرمایه اقتصادی و اجتماعی را تجربه کنند. این ساخت اجتماعی و ثبات سیاسی نیز خود برآیندی از زمینه‌های فکری - اجتماعی حوزه نوردیک است. دولت‌های رفاه فراگیر نوردیک، دارای نظام رفاه اجتماعی، تأمین خدمات اجتماعی و همگانی و در عین حال نظام مالیات‌گیری سختگیرانه، سازوکارهای امنیت شهروندان و ... هستند. این سنت‌های منحصر به فرد فکری و زیست فرهنگی و اجتماعی موجود در حوزه نوردیک، ویژگی‌های اصلی تعیین‌کننده توسعه مدل نوردیک محسوب می‌شوند؛ سنت‌هایی که هر یک بخشی جداناپذیر از الگوی توسعه ترکیبی (هیبریدی) سوسیال‌دموکرات - سرمایه‌داری در حوزه نوردیک را صورت‌بندی کرده‌اند. پرسش این پژوهش این است که چگونه سنت‌های اجتماعی - فرهنگی، هم‌زمینه شکل‌گیری و هم‌زمینه حل د شواری‌ها و معماهای مدل دولت رفاه فراگیر نوردیک را صورت‌بندی کرده است؟ برای پاسخ به این پرسش با استفاده از روش توصیفی - تبیینی، ضمن بررسی سنت‌های اجتماعی - فرهنگی جامعه نوردیک، از جمله سنت دهقانی آزاد، سنت آرمان‌شهر سوسیالیستی، سنت سرمایه‌داری سنت حکمرانی، چگونگی بیکربندی این سنت‌ها در اصول و مبانی «توسعه انسانی»، «اقتصاد ترکیبی (هیبریدی)»، «سرمایه اجتماعی» و «اعتماد همگانی»، «جایگاه برابری»، «همبستگی و مالکیت» و «مدل توسعه‌یافتگی» نوردیک پژوهش می‌شود.

کلید واژه‌ها: مدل نوردیک، اصول توسعه، نظام ترکیبی (هیبریدی)، دولت رفاه، سوسیال‌دموکراسی.

نوع مقاله: پژوهشی.

* استادیار روابط بین‌الملل و عضو هیأت علمی دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
r.rahmati@basu.ac.ir

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۰، دوره چهارم، شماره اول، ۱۹۵ - ۲۳۵.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان



مقدمه

دولت رفاه فراگیر در مدل نوردیک، به دلیل در اختیار داشتن الگویی منحصر به فرد، معمولاً مورد توجه علاقه‌مندان و متفکران توسعه قرار می‌گیرد؛ متفکرانی که به سیاست‌های رفاه اجتماعی و تأمین خدمات همگانی توسط دولت توجه دارند. کشورهای حوزه نوردیک را عموماً با نظام مالیات‌گیری سخت‌گیرانه، تأمین اجتماعی، سازوکارهای امنیت شهروندان و می‌شناسند و تصویر عمومی در مورد این کشورها، متناظر با سطح بالایی از شادابی، رضایت اجتماعی، دسترسی آزاد به اطلاعات و سلامت همگانی است.

مدل نوردیک توانسته خود را با سطح بالایی از اعتماد عمومی بین‌المللی به کالاهای ساخت اسکاندیناوی معرفی کند و به همین دلیل تبدیل به الگویی منحصر به فرد در تصویرسازی (Imaging) از یک مدل و برجسب گذاری (Labeling) دولت رفاه شده است. جوامع نوردیک در نشان ملی (National Branding) توانایی بسیاری دارند و همین توانایی سبب شده است تا با نگاهی مثبت (Positive Perspective) به این کشورها در سطح بین‌المللی نگرینته شود؛ برای مثال معمولاً اخبار معطوف به حل و فصل فرآیندهای منازعات سیاسی و بین‌المللی، متناظر با یکی از این مکان‌هاست: استکهلم، هلسینکی یا اسلو.

کالاهای شرکت‌های تولیدی یا خدماتی مانند «نوکیا» (Nokia)، «ایکیا» (IKEA)، «ولوو» (Volvo) و یا حتی «اریکسون» (Ericsson) و ... در گستره جهانی به لحاظ کیفیت مورد اعتماد عمومی هستند. بیشتر مردم جهان، کشورهای اسکاندیناوی را با انرژی‌های تجدیدپذیر و سوخت سبز می‌شناسند، حتی در برخی از آثار پژوهشی سیاست‌های این کشورها با عنوان «سبزی شدن» (Greening) مشهور شده است (Midttun, 2014: 1). امروزه بلافاصله بعد از منتشر شدن خبری در خصوص مبارزه با گازهای گلخانه‌ای، اولین کشورهای حامی، یکی از کشورهای نروژ، فنلاند، سوئد یا دانمارک به ذهن می‌آید و معمولاً این کشورها مدافعان سرسخت پیمان‌های آب و هوایی بین‌المللی به شمار می‌روند.

جنبش‌های مدافع اقلیت‌ها، حقوق مذاهب و درعین حال آزادی مذهب، برابری جنسیتی، حقوق حیوانات، محیط زیست و ... معمولاً در همان ابتدای ظهور در این کشورها ظاهر می

صورت‌بندی اصول بنیادین توسعه در مدل نوردیک (رضا رحمتی) ۱۹۷

شوند (Rahmati, 2019b: 222). هر از گاهی خبری منتشر می‌شود که صاحبان قدرت در این کشورها با دوچرخه به محل کار خود می‌روند. کارهایی این چنینی و موارد بسیاری شبیه به این، اخبار یا رویدادهای عمومی و روزمره‌ای هستند که در خصوص کشورهای شمال اروپا منتشر می‌شود. محققان بسیاری از نتایج یا مدل‌های موجود استفاده می‌کنند؛ اما کمتر توجهی به ریشه‌های فکری-سنتی شکل‌دهنده به این مدل‌ها می‌شود؛ به عبارتی سنت‌های منحصر به فرد فکری و «مطالعات بوم‌شناختی» (Ecological study) موجود در حوزه نوردیک به‌عنوان ویژگی‌های اصلی تعیین‌کننده مدل نوردیک کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

این سنت‌ها هر یک بخشی جداناپذیر از اقتصاد آمیزه‌ای و پیوندی (Hybrid Economics) سوسیال دموکرات-سرمایه‌داری حوزه نوردیک محسوب می‌شوند. پرسش این است که چگونه سنت‌های اجتماعی-فرهنگی، هم‌زمینه شکل‌گیری و هم‌زمینه حل دشواری‌ها و معماهای مدل دولت رفاه فراگیر نوردیک را صورت‌بندی کرده است؟ برای پاسخ به این پرسش با استفاده از روش توصیفی-تبیینی، ضمن بررسی سنت‌های اجتماعی-فرهنگی جامعه نوردیک، از جمله سنت دهقانی آزاد، سنت آرمان‌شهر سوسیالیستی، سنت سرمایه‌داری و سنت حکمرانی، چگونگی پیکربندی این سنت‌ها در اصول و مبانی «توسعه انسانی»، «اقتصاد ترکیبی»، «سرمایه اجتماعی» و «اعتماد همگانی»، «جایگاه برابری»، «همبستگی و مالکیت» و «مدل توسعه‌یافتگی» نوردیک پژوهش می‌شود.

چارچوب نظری؛ تأثیر سنت‌های اجتماعی بر توسعه اقتصادی

موضوع اهمیت فرهنگ و الگوهای ارزشی در توسعه اقتصادی در علوم اجتماعی دیرزمانی است که مورد بحث و مناظره نظری قرار گرفته است. شاید بتوان شروع تحلیل‌های مربوط به اثرگذاری متغیرهای فرهنگی بر متغیرهای اقتصادی را در نوشته‌های مکس وبر (Webber.M) پی گرفت. وبر مقاله «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» را که بعدها تبدیل به کتابی جامع با همین عنوان شد، با این رویکرد نوشت تا تأثیر اخلاق منحصر به فرد پروتستانی؛

یعنی روحیه کار، رسالت کار و بهره‌وری را بر روحیه سرمایه‌داری؛ یعنی افزایش تولید، نوع خاص مصرف و الگوهای توزیع اقتصادی در جامعه نشان دهد (ویر، ۱۳۷۳).

اینکه به لحاظ اقتصادی چه عواملی سبب می‌شود تا جامعه‌ای با جامعه‌ای دیگر تفاوت داشته باشد، دغدغه‌هایی را در جامعه‌شناسان ایجاد کرد تا زمینه مطالعاتی و نظریه‌پردازی جدیدی به نام «جامعه‌شناسی اقتصادی» را طرح‌ریزی کنند و تفاوت‌های موجود اقتصادی را منبعث از ریشه‌ها و بنیادهای اجتماعی، تفاوت در نهادسازی، تفاوت در سرمایه اجتماعی، تفاوت در نظام ارزشی و هنجاری جوامع (سوئدبرگ، ۱۳۹۵) و سایر معیارهایی بدانند که این معیارها تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر متغیرهای اقتصادی دارند.

اسم‌سلسر براین باور است که «جامعه‌شناسی اقتصادی روابط میان تعلقات اقتصادی و دیگر تعلقات را (حقوقی، سیاسی، خویشاوندی، مذهبی) در اجتماع و جامعه بزرگ‌تر مطالعه می‌کند. این نوع مطالعه، روابط میان اقتصاد به‌عنوان یک نظام تحلیلی - اجتماعی و دیگر نظام‌های اجتماعی را بررسی می‌کند. جامعه‌شناسی اقتصادی مشخصاً وجوه جامعه‌شناختی متغیرهای اصلی اقتصاد را مورد بررسی قرار می‌دهد» (اسم‌سلسر، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

تأثیرپذیری فعالیت‌های اقتصادی از عناصر فرهنگی و الگوهای ارزشی اجتماعی موضوع مهم این الگوی فکری و نظری است و منظور از عناصر فرهنگی، وجوه ارزشی (Evaluational) و وجوه وجودی (Existential) است. منظور از ارزشی، اشاره به آن چیزی است که نظام ارزش‌های فرهنگی مطلوب ارزیابی می‌شود و اعضای جامعه می‌بایست از آن‌ها پیروی کنند. منظور از وجودی نیز این است که بشر، جامعه و طبیعت چه چیزهایی هستند (اسم‌سلسر، ۱۳۹۵: ۱۵۲). بنابراین در چنین مطالعه‌ای، الگوهای ارزشی و فرهنگی نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به متغیرهای اقتصادی و به‌طور کلی سامان اقتصادی در حوزه خرد و کلان آن دارد. در همین زمینه می‌توان به مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار نیز اشاره داشت.

در این برداشت، ساخت اجتماعی سبب صورت‌بندی نظام اجتماعی می‌شود و نظام اجتماعی به‌مثابه موجودیتی متشکل از خرده‌نظام‌های فرهنگی، اقتصادی، خویشاوندی، طبقاتی و ... شکل‌دهنده کنش اقتصادی هستند (سوئدبرگ، ۱۳۹۵). برای مثال «دلایل اینکه

چرا نسبت به اقدامات رفاهی دولت‌در ایالات متحده، خصومت ابراز می‌شود، به تأکید مشخص آمریکایی به مسئله موفقیت در کار بر می‌گردد. برقراری اقدامات رفاهی به معنای آوردن تسهیلات و پاداش‌ها برای اشخاص و طبقات معین است؛ درحالی‌که می‌بایست به معنای وادار کردن اشخاص به کار برای رسیدن به تسهیلات و پاداش‌ها باشد. یکی از توجیحات جالب توجه در مورد اقدامات رفاهی در ایالات متحده - برخلاف کشورهای اروپا که رفاه دولتی بیشتر امرمقبولی شمرده می‌شود - این است که این‌گونه اقدامات باید احتمالاً برابری فرصت برای افراد را در جامعه تسهیل کند» (اسملسر، ۱۳۹۵: ۲۱۰).

اینکه چرا جامعه‌ای نسبت به جامعه دیگر روحیه کار بالاتر و روحیه توسعه فعال‌تری دارد، به ساختارهای اجتماعی آن بر می‌گردد که بخشی از این ساختارها، در نهادهای اجتماعی، برخی در خلقیات روان‌شناختی و برخی در انباشت تاریخی الگوهای فرهنگی ریشه دارند؛ بنابراین عناصر، ارزش‌ها، الگوها و مؤلفه‌های اجتماعی و حتی روان‌شناختی نقش تعیین‌کننده‌ای در نظام اقتصادی دارند؛ نظام اقتصادی‌ای که متشکل از بخش‌های متعدد تولید، توزیع و مصرف است. در سطحی فراتر همین رابطه بین این عناصر و الگوهای اقتصاد سیاسی و اقتصاد منطقه‌ای نیز برقرار است.

وجود مؤلفه‌های نظام الگوهای تاریخی و ارزشی شبیه به «عزم و اراده برای توسعه»، «انضباط اقتصادی»، «نظام مذهبی»، «ملی‌گرایی» و ... محرک‌ها و مشوق‌های توسعه اقتصادی محسوب می‌شوند. در این نگرش، جایگاه تاریخی روندهای اجتماعی در یک نظام اجتماعی، متشکل از نگرش آن جامعه نسبت به جهان و ایجادکننده عقل اجتماعی، آزادی اندیشه، برابری انسان، احترام به حقوق دیگران، نظم‌پذیری جمعی، نبود خرده نظام‌های اجتماعی متعارض (صالح‌نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۵) و مهم‌تر از همه اعتقاد به پیشرفت و توسعه هستند. این جایگاه تاریخی که به وسیله طبقات حامل اجتماعی به جهان کنونی منتقل شده‌اند، به صورت تاریخی، الگوهای اقتصادی متعدد را دستخوش تحول کرده‌اند؛ به عبارتی شفاف‌تر نظام الگوهای ارزشی بر ساختار توسعه اقتصادی می‌چربد و در گام بعد، نظام توسعه اقتصادی بر

نظام روابط اجتماعی و الگوهای فرهنگی سایه می‌افکند و شکل منحصر به فردی از اقتصاد با بنیان‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند.

الگوهای توسعه اقتصادی در مناطق مختلف جهان، متأثر از همین وابستگی به ساخت اجتماعی است؛ برای مثال تفاوت بین خاورمیانه و اروپا در وابستگی کشورهای خاورمیانه به اقتصاد مبتنی بر رانت است که ریشه آن در وابستگی جامعه خاورمیانه به مواهب الهی و ایجاد و اعطای فرصت‌های اقتصادی بیرون از انگیزه و توان فردی در جامعه دارد، درحالی‌که این معادله در اروپا وارونه است.

سنت‌های اجتماعی حوزه نوردیک (پیوند چهار سنت برابری، آزادی، بهره‌وری و همبستگی)

نظام دولت رفاه فراگیر نوردیک حاصل فرآیندها، سنت‌ها و اسطوره‌های جوامع نوردیک است (Rahmati, 2020: 89-121). در عین حال به نظر می‌رسد که برخی از این اسطوره‌ها و سنت‌ها بیشتر مبتنی بر واقعیت هستند و نتایج سیاسی بهتری نسبت به بقیه دارند. این سنت‌ها عبارتند از روح سرمایه‌داری، آرمان‌شهر سوسیالیسم و سنت آرمانی‌شده دهقانی آزاد و سنت حکمرانی.

سنت نخست برای همه جوامع اروپای غربی مشترک بود، سنت دوم برای آن دسته از جوامع اروپائی بود که در آن جنبش کارگری دموکراتیک قوی بود. سنت سوم، اصلاح ایدئولوژیکی کارمزدی صنعتی برای سنت دهقانی مستقل بود که مختص کشورهای نوردیک بود (Kuttann, 1999: 264) و سنت چهارم به اصلاح روش‌ها و چشم‌اندازهای سیاسی منجر شد؛ به عبارت بهتر سنت دهقانی به ایجاد برابری در جوامع نوردیک منجر شده، سنت سرمایه‌داری بهره‌وری را ایجاد کرد و سنت سوسیالیستی، عامل ایجاد همبستگی در کشورهای حوزه نوردیک شد و سنت حکمرانی، چشم‌انداز حکمرانی را ایجاد کرد. نوع مدل سیاسی موجود در حوزه نوردیک را می‌توان برآیندی از این چهار سنت دانست.

سنت دهقانی آزاد و ایده آزادی

همان‌گونه‌که مورخ نروژی، اوستین سورنسن (A. Sorensen) و مورخ سوئدی بو استراث (B. Strath) در کتاب «ساخت فرهنگی نوردن» (The Cultural Construction of Norden) اظهار داشته‌اند، نقاط عزیمت زمانی و موضوعی برای «افسانه شکل‌گیری نوردیک» متفاوت بوده است. با این حال آن‌ها معتقدند که برجسته‌ترین جلوه نوردیک همین سنت دهقانی آزاد است. برای شکل‌گیری این سنت عناصر متعددی دخیل بوده‌اند. این افسانه منبعث از روش و اسطوره دهقانی آزاد بوده است.

روشنگری نوردیک «از قضا و به شکلی متناقض، برجسته‌ترین نماد خود؛ یعنی دهقانی را تجربه کرد». دهقانان نوردیک چهره‌ای از عقلانیت عمل‌گرایانه غیر آرمان‌شهر بودند، چیزی که برجسب خاصی از آن را به روشنگری نوردیک، رمانتیسیسم نوردیک و همچنین دموکراسی نوردیک و دولت رفاه نوردیک پیوند زد. تنش ذاتی بین مفاهیم آزادی و برابری در نوردیک، با استفاده از اسطوره دهقانی بهتر کنترل می‌شد» (Sorensen & Strath, 1997: 24). وضعیتی منحصر به فرد که دهقانان را واسطه‌ای بین دولت و مردم قرار می‌داد؛ جایی که وظیفه آموزش را با دیدگاه‌های منطقی خود پیش برد و به‌عنوان طبقه حامل، روشنفکری خود را به‌همراه جمع‌اضداد و تناقض‌ها در مقام بازیگر فعال معرفی کرد.

نتیجه سنت دهقانی آزاد را باید در فردگرایی تاریخی که به لحاظ سیاسی و اقتصادی در نوردیک به وجود آمد مشاهده کرد. فردگرایی که هرگز از حافظه جمعی مردم از بین نرفت تا تولد دوباره خود را با ملی‌گرایی فرهنگی در شروع قرن ۱۹ نشان دهد. سنت بومی دهقانی به‌مثابه بستری منحصر به فرد از ترکیب ارزش‌های مسیحی و روشنگری، یک روشنگری معنوی را به وجود آورد که در آن طبقه یادشده حامل مدرنیزاسیون کشیشان بودند. اسطوره دهقانی در نوردیک، نه نخبه‌گرایانه باقی ماند و نه گریزگرا، همچنان که رمانتیسیسم در سایر کشورهای اروپائی در چنین وضعیتی باقی ماند. این طبقه در واقع دهقانان عقل‌گرا بودند (Bonde) که به‌عنوان یک قهرمان فرهنگی ارتقا یافتند.

در شرایط طبیعی نوردیک، برای دهقانان (زمین‌داران) ضروری بود که دیدگاهی منطقی، خودانضباطی، عملکرد برنامه‌ریزی‌شده در مورد کار و زندگی پیش از فعالیت‌های آموزشی کشیش‌های روشنگر اتخاذ کنند. از طرف دیگر، این فرضیه در مورد روشنگری نوردیک ادعا می‌کند که اسطوره دهقانی به بخشی جدایی‌ناپذیر از آن شیوه‌های تفکر و عمل تبدیل شد، که از طریق آن نقش اقتصادی و سیاسی دهقانان تقویت شد و آن‌ها حاملان روشنگری و نوسازی شدند؛ بنابراین، معانی سیاسی اسطوره دهقانی در متن جنبش‌های عمومی و آموزش عمومی شکل گرفت و از این طریق با شکل‌گیری آنچه هنریک برگرن (H. Burgern) آن را «مفهوم نوردیک جوانی» می‌نامد، پیوند می‌خورد.

در مفهوم موردنظر برگرن جوانان با ایده آموزش به‌عنوان خودسازی، ایده‌ای مشترک در مأموریت آموزشی روحانی دانمارکی «گروندویگ» و جنبش‌های احیاگرایی به جنبش کارگری از نزدیک ترکیب شده بودند. با بررسی لیبرالیسم اسکاندیناوی با روشی کمتر مسئله ساز، با دهقانان همچون بازیگران رفتار می‌شود. ویژگی منحصر به فرد این لیبرالیسم شامل روابط نزدیک آن نه تنها با کارکنان دولت و خود دولت، بلکه با دهقانان و جنبش‌های عمومی است. خودحکومتی محلی بستر مهمی بود که در قرن ۱۹ اسطوره دهقانی، دهقانان رابه‌عنوان بازیگران متبلور ساخت. دهقانان نه تنها طرف پذیرنده بودند، بلکه طرف کمک‌دهنده نیز بودند؛ بنابراین «کمون»ها نقشی واسطه‌ای بین دولت مرکزی و محلی، گروه مذهبی و سکولار، بخش عمومی و خصوصی، دولت و جامعه، احزاب سیاسی و غیرسیاسی بازی کرده‌اند و می‌کنند. تنها در ارتباط با مورد فنلاند است که ایجاد خط مستقیمی از فردگرایی دهقانی نوردیک به دولت رفاه سوسیال دموکرات نوردیک برای هر دو طرف مشکل ساز است. به‌طور کلی در این شرایط نوردیک تصویری به وجود می‌آورد که در آن تصویر ممکن است فردگرایی برابری طلبانه در جامعه روستایی و دموکراسی اجتماعی در دولت رفاه منعکس شود (Ketunnen, 1999: 263).

دهقانان در جایگاه «شخصیت‌های آزاد مستقل» (Kettunen, 1999: 264)، به اندازه کافی قدرتمند بودند که هنجارهای آن‌ها در کل جامعه نفوذ کند. توسعه اولیه آموزش سکولار -

صورت‌بندی اصول بنیادین توسعه در مدل نوردیک (رضا رحمتی) ۲۰۳

که لوتربایسم آن را به‌منظور امکان دادن به کلیساهای مذهبی و افراد غیرروحانی برای خواندن اصول اساسی لوتر انجام داد- نیز از این نظر به جایگاه دهقانان کمک کرده است؛ از این رو دهقانان نوردیک را می‌توان «تجسم افسانه‌ای آموزش، آزادی و برابری» دانست و نه تنها کشاورزانی بی‌ادب، بد تربیت و بی‌سواد! اینها مبانی هنجاری بود که دولت رفاه فراگیر مبتنی بر شهروندی براساس آن ساخته می‌شد (Lin, 2005: 734).

ریشه بسیاری از تلاش‌های سیاسی و اجتماعی در نوردیک به سنت دهقانی بر می‌گردد. سنت و اسطوره دهقانی آزاد، نخست توانست عامل پذیرش اجتماعی مفاهیمی شبیه به عدالت اجتماعی، آزادی و آموزش همگانی شود. دولت‌های نوردیک، دولت‌های شهروندی اجتماعی هستند، جایی که در آن اشخاص با امتیازات اجتماعی به نام حقوق اجتماعی معرفی می‌شوند (در قالب حقوق بازنشستگی ملی، مزایای کودک، کمک هزینه مراقبت و ...). مفاهیمی مثل عدالت اجتماعی، حقوق اجتماعی، رفاه و شهروندی اجتماعی به‌ویژه در میان مردم نوردیک محبوبیت دارد. برای درک فرهنگی این پدیده‌ها، مفاهیم دهقانی برابری و آزادی باید نقطه مرجع باشند.

سنت و اسطوره دهقانی آزاد در وهله دوم، نوع خاصی از دموکراسی کورپراتیستی را در این جوامع صورت‌بندی کرد. نوع دموکراسی سیاسی، چانه‌زنی کارفرما، کارگر و دولت و ثبات اجتماعی به همین سنت بر می‌گردد. این سنت دو تأثیر را به لحاظ محتوایی و شکلی در زندگی اجتماعی و سیاسی شمال اروپا بر جای گذاشته است: به لحاظ محتوایی سبب شده است تا خود مدیریتی‌های بومی در بین ساکنان جوامع نوردیک به وجود آید و متعاقباً واسپاری امور به نهادهای اجتماعی ایجاد شود و در بُعد شکلی سازمان‌های غیردولتی مردم نهاد در این کشورها برای حل مشکلات صنفی و اقتصادی را موجب شود. این همان چیزی است که اینک از آن با عنوان دموکراسی کورپراتیستی یاد می‌شود.

در وهله سوم، سنت و اسطوره دهقانی آزاد باعث به وجود آوردن نیروی اجتماعی بسیار فعال در زندگی سیاسی شمال اروپا شد. همین موضوع سبب شد تا این طبقه، نیروی اجتماعی تأثیرگذار و خارج از سنت آریستوکراتیک و الیت محور باشد؛ نیرویی از بطن جامعه به‌عنوان

نیروی تأثیرگذار در زیست سیاسی که می‌تواند منادی هر چیزی باشد که یک جنبش اجتماعی به دنبال آن است. نوعی پیشرفت برای همه این اصلاحات، سازش طبقاتی دهه ۱۹۳۰ بود، یعنی شکل‌گیری ائتلاف‌های سیاسی کارگران و کشاورزان، یا سوسیال دموکرات‌ها و احزاب ارضی (به استثنای فنلاند تا سال ۱۹۴۴)، که به تثبیت نظام‌های مذاکره و توافق‌نامه‌های جمعی بین بازار کار (از جمله توافق‌نامه‌های بین کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری) منجر شد، موضوعی که مورخان توسعه از آن به‌عنوان تحکیم فرآیند «عقلانی‌سازی اقتصاد» (Kettunen, 1995) یاد می‌کنند.

از جمله دیگر تبعات اقتصادی سنت دهقانی آزاد، می‌توان به شفافیت، دسترسی آزاد به اطلاعات، ادغام اجتماعی، یکپارچگی، اجماع‌سازی بین جنبش‌های اجتماعی با هم و جنبش‌های اجتماعی با دولت، نهادسازی خودمدیریتی، دولت رفاه به‌صورت عمودی و افقی، نبود شکاف‌های قومی بنیادین و سیاست‌های هم‌پذیری اجتماعی و احساس سرنوشت مشترک در مردم (اغنیاء و فقرا)، اشاره کرد.

سنت روح سرمایه‌داری و ایده بهره‌وری

سنت تأثیرگذار دیگر بر شکل‌گیری مدل توسعه دولت رفاه فراگیر نوردیک علاوه بر روشنگری دهقانی لوتری، سنت کار، رسالت کار و روح سرمایه‌داری است که تجلی آن را می‌توان در بهره‌وری اقتصادی مشاهده کرد؛ بنابراین ریشه این سنت را بایستی در «ایده کار» جوامع سخت نوردیک پی‌گیری کرد.

این سنت بعدها تبدیل به نقطه قوت دولت - ملت‌های کوچک، در ارتباط بین اقتصادهای ملی با اقتصاد بین‌الملل و موفقیت در کنترل نوسان‌های اقتصاد بین‌الملل شد. برخلاف ایده عمومی، کشورهای نوردیک از اقتصاد بازار آزاد، تجارت بین‌المللی و حقوق مالکیت تأثیر بسیاری پذیرفته‌اند. بسیاری از مقامات نوردیک به این ظرفیت مدل اقتصادی نوردیک باور دارند. آن‌ها از اینکه کشورهایشان توانسته است در عین حال که استانداردهای دولت رفاه را داشته باشد، از سازوکار بازار آزاد نیز بهره‌مند باشد، خوشنود هستند؛ به‌همین دلیل نخست

صورت‌بندی اصول بنیادین توسعه در مدل نوردیک (رضا رحمتی) ۲۰۵

وزیر سابق دانمارک لارس لوک راسموسن (L. L. Rassmosen) در جایی گفته بود که «مدل نوردیک یک دولت رفاه فراگیر است که سطح بالایی از امنیت شهروندان خود را فراهم می‌کند؛ اما در عین حال اقتصاد بازار موفق‌تری نیز هست.» (Rassmosen, 2015).

بخش بزرگ تقاضاهای نوآورانه در کشورهای حوزه نوردیک به دلیل اقلیم سخت و منابع طبیعی محدود منطقه بوده است و همین موضوع سبب شده است تا مردم کشورهای نوردیک به «حداکثرسازی توان کشاورزی سودآور» و اتخاذ مزیت‌های بیشتر در تجارت بین‌المللی متکی باشند. جیمز بدی در سال ۱۹۴۳ در پژوهشی به مطالعه مقایسه‌ای بین ایرلند و دانمارک و شکل گرفتن زمینه‌های قدرت‌گیری دانمارک نسبت به ایرلند اشاره کرد. اجرای حق مالکیتی که انتقال زمین را از مالکان به کشاورزان تسهیل کند، ایجاد بانک‌های کوچک و محلی که اعتبار را به کارآفرینان با وثیقه کم یا حتی بدون وثیقه اعطا کند، و رقابت را بین شرکت‌ها در همه ابعاد تسری دهد، اقتصاد دانمارک را از اقتصادی ضعیف و کوچک‌تر از ایرلند، قادر ساخت تا از کشورهایی با منابع بهتر، شبیه به ایرلند در قرن نوزدهم، پیشی گیرد (Greiner, 2019 and Beddy, 1943: 190).

در این مدت دانمارک واجد جمعیت بیشتری از ایرلند، سطح وسیع‌تری از محصولات کشاورزی، سطح وسیع‌تری از تجارت، بدهی ملی کمتر، سطح بالاتری از درآمد و به صورت چشمگیری معیار بالاتری از زندگی نسبت به ایرلند و اروپای غربی بود (Beddy, 1943: 190-220). علاوه بر این در طول یک قرن، برخی از مشهورترین نشان‌های (برندهای) حوزه نوردیک، که دولت رفاه در سطح بسیار وسیعی از طریق آن‌ها به عنوان منبع درآمد یا بانک‌های مالیاتی توسعه یافته بود، در این کشورها رشد یافته بودند: «آلفا لاول» (Alfa laval)، ولوو (Volvo)، «اچ & ام» (H & M)، شرکت «ایکیا» (IKEA) و «تترا پک» (Tetra pack) همه نشان‌های صنعتی در جایگاه نمادهایی درخشان از رهیافت بازار آزاد اسکاندیناوی ظهور کرده بودند.

این نشان‌ها سبب شده بودند تا این کشورها محل تجمع نشان‌های بزرگ صنعتی شوند؛ برای نمونه سوئد بالاترین میزان رشد سرانه GDP را در سطح جهانی از سال ۱۸۷۰-۱۹۳۶ تجربه کرد و این به دلیل وام‌داری همین نشان‌ها بود. بعد از آن نیز این روند تداوم داشت. این پیشینه

سبب شد تا حتی بعدها از سال ۱۹۳۶ - ۲۰۰۸ سوئد در بین ۲۸ کشور صنعتی، رتبه سیزده را در اختیار گیرد و دانمارک از سال ۱۹۲۴ - ۲۰۰۸، رتبه شانزده بزرگترین رشد را به خود اختصاص دهد.

این جایگاه نتیجه طبیعی واکنش بازار به سیاست‌های سوسیال دموکرات رادیکالی است که در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در تلاش برای پیگیری برنامه اجتماعی اقتصاد به «مسیر سوم» پذیرفته شد؛ مسیری بین کمونیسم و سرمایه‌داری؛ مسیری که میزان بهره‌وری بسیار بالایی را برای کشورهای نوردیک ایجاد کرده است. در خصوص نتایج سنت دهقانی آزاد می‌توان به مالکیت خصوصی، نظام مالیات‌گیری و ارتقای بهره‌وری به‌عنوان جلوه‌های سرمایه‌داری نظام نوردیک اشاره کرد. وجوه و پیامدهای نظام اقتصادی نوردیک عبارتند از:

الف) مهم‌ترین وجه سرمایه‌دارانه نظام اقتصادی نوردیک مالکیت خصوصی است. مالکیت خصوصی سبب شده است تا نظام اقتصادی نوردیک بر پایه بازارهای آزاد سرمایه‌داری بنا یابد. برخی از منتقدان مدل نوردیک انتقاداتی به نوع مالکیت بنگاه‌های اقتصادی در این کشورها داشته‌اند. بدین سان که در این نظام سرمایه‌دارانه بخش چشمگیری از نیروی کار در بنگاه‌های دولتی مشغول به فعالیت هستند. منتقدان معتقدند اگرچه ممکن است مالکیت خصوصی به‌صورت اسمی در این کشورها تمجید شود؛ اما تفوق بنگاه‌های بزرگ اقتصادی سبب شده است تا شرکت‌های قدیمی چون نوکیا نزدیک به یک‌چهارم از رشد اقتصاد فنلاند از سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷ را در اختیار داشته باشند (Greiner, 2019).

ب) نظام مالیات‌گیری نیز یکی از پیامدهای روح سرمایه‌داری موجود در مدل نوردیک است. دولت رفاه فراگیر نوردیک با درصد بسیار بالایی از مالیات مستقیم و غیرمستقیم مشهور است. برخی از کشورها همچون سوئد با وضع مالیات چهل تا شصت درصدی بر حقوق به‌صورت مستقیم و مالیات‌های غیرمستقیم، بالاترین میزان دریافتی مالیات در سطح جهانی را تجربه می‌کند.

صورت‌بندی اصول بنیادین توسعه در مدل نوردیک (رضا رحمتی) ۲۰۷

ج) افزایش بهره‌وری نتیجه مستقیم روح سرمایه‌داری در دولت رفاه فراگیر است. بالا بودن کیفیت زندگی اقتصادی، کم بودن میزان هدر رفت سرمایه‌های ملی و ... از جمله تبعات نظام بهره‌وری است که این موضوع بر دولت رفاه نوردیک تأثیر گذاشته است.

سنت آرمان‌شهر سوسیالیستی و ایده برابری

سنت و اسطوره سوم نوردیک، سنت آرمان‌شهری سوسیالیستی است که تجلی آن را در شکل‌گیری ایده برابری این جوامع می‌توان مشاهده کرد. در سنت اجتماعی و سیاسی سوسیالیستی نوردیک، تمایزی مفهومی بین «دولت» و «جامعه» وجود ندارد. درک جامعه نوردیک نیز بدون فهم مردم و سنت تاریخی شکل‌گیری جامعه مدنی امکان‌پذیر نیست.

این کاربرد از معنی جامعه، تأثیر مستقیمی بر دلالت‌های معاصر از «فراگیری» (Universality)، «دولت رفاه» یا حتی «نئوکورپراتیسم» داشته است. اقتصادهای نروژ، فنلاند، دانمارک و سوئد بیش از اینکه دموکرات - سوسیالیستی باشند، سوسیال دموکرات هستند (Sanandaji, 2015).

هیچ‌یک از دولت‌های نوردیک را نمی‌توان و نباید مطابق تعاریفی که از سوسیالیسم ارائه می‌شود و حتی تجربه‌ای که اتحاد جماهیر شوروی و در برهه‌ای چین داشته‌اند، سوسیالیستی دانست. در حوزه نظری، «هر یک از نظریه‌های متنوع اقتصاد سیاسی در جای خود از مدیریت جمعی و دولتی ابزارهای تولید و توزیع کالاها حمایت می‌کنند؛ اما قرار دادن دولت‌های رفاه فراگیر نوردیک در این نظریه‌ها، نه تنها با سنت‌های بومی این کشورها همخوانی ندارد، بلکه با واقعیت‌های این اقتصادها نیز همخوان نیست. اقتصادهای نوردیک حتی با ملی‌سازی‌های اقتصادی که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در سطح جهانی انجام می‌شد نیز فاصله دارند. قرار دادن این اقتصادها در سنت‌ها و نظریه‌های اقتصاد سیاسی ملی‌گرا و جریان‌های اقتصاد ملی شده کشورها، که نسخه تعدیل‌شده آن را با عنوان «حمایت‌گرایی» (Protectionism) معرفی می‌کنند، نیز نادرست است.

بنا بر آنچه گفته شد نظام جوامع نوردیک مبتنی بر سوسیالیسم دموکراتیک نیست، بلکه سوسیال دموکراسی است. سوسیالیسم دموکراتیک، یک نظام اجتماعی - سیاسی را نمایندگی می‌کند که در آن هم دموکراسی (اندک) وجود دارد و هم نگاه اشتراکی به مالکیت (بسیار). این سوسیالیسم به دلیل اشتراک‌گرایی، جمع‌گرایی و اجتماع‌گرایی نزدیک‌ترین خوانش در مارکسیسم به دموکراسی است. این خوانش برخلاف قرائت لنین یا استالین از مارکسیسم، نگاهی هم به دموکراسی دارد.

در سوسیال دموکراسی، اولویت با دموکراسی، بازار آزاد، اقتصاد باز و اقتصاد جهانی است؛ اما به واسطه سنت‌های آرمان‌شهری، نظام اجتماعی و سیاسی نگاه اجتماعی نیز دارد. وجود بیمه بازنشستگی، مهد کودک‌های رایگان، دانشگاه رایگان، بهداشت رایگان، بیمه بیکاری و ... از جمله چنین رویکردهای اجتماعی به اداره‌سیاسی جامعه است. سوسیال دموکراسی نه تنها سنت سوسیالیسم نیست، بلکه سوسیالیسم دموکراتیک نیز به شمار نمی‌آید؛ بنابراین جوامع نوردیک به هیچ وجه سوسیالیستی با سنتی که مارکس و انگلس از آن سخن می‌گفتند، نیستند؛ یعنی یک فلسفه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که در آن نظام اجتماعی و اقتصادی با مالکیت اجتماعی و اشتراکی ابزارهای تولید در بنگاه‌های اقتصادی تعریف می‌شود.

جوامع نوردیک سرمایه‌داری کشورهای انگلوساکسون را نیز تجربه نمی‌کنند. آن‌ها مدل منحصر به فردی به نام مدل نوردیک سوسیال دموکراسی و حمایت از مردم را تجربه می‌کنند. این جوامع عموماً دولت‌های رفاه محسوب می‌شوند. نظام تأمین اجتماعی در این جوامع منحصر به فرد و مربوط به پیشینه تاریخی این جوامع است. مدل نوردیک ریشه در مصالحه و توافق بزرگ بین کارگران و کارفرمایان در دهه ۱۹۳۰ دارد. این پیوند همچنین دهقانان و احزاب کارگری را دربرمی‌گرفت. از جمله تبعات و نتایج اقتصادی و اجتماعی سنت سوسیالیستی بر توسعه نوردیک می‌توان به این موارد اشاره کرد:

صورت‌بندی اصول بنیادین توسعه در مدل نوردیک (رضا رحمتی) ۲۰۹

نخست اینکه سنت آرمان‌شهری سوسیالیستی منتهی به «اشتغال کامل»، «حقوق اجتماعی برابر» و «برابری جنسیتی»^۱، «برابری اقتصادی»^۲ و «برابری فرصت‌ها»، و «عدالت روشمند» شده است. سوسیال دموکراسی نوردیک را می‌توان با سه جلوه «خدمات عمومی رایگان»، «چانه زنی اتحادیه‌های کارگری و کارفرماها با وساطت دولت» و «اتحادیه‌های فعال کارگری» معرفی کرد.

دوم اینکه خدماتی همچون آموزش و پرورش، بهداشت، امنیت اجتماعی و ... از جمله خدمات عمومی هستند که دولت رفاه فراگیر نوردیک به صورت برابر به رایگان در اختیار شهروندان قرار می‌دهد. این بدان معنی نیست که هزینه‌های این بخش‌ها پائین باشد، بلکه به معنی حمایت عمومی توسط دولت رفاه فراگیر و کم شدن هزینه‌ها با ارائه خدمات رایگان در این بخش‌هاست؛ به عبارتی بین مالیات بالا و ارائه خدمات گران به صورت رایگان سازوکاری ایجاد شده است که همین سازوکار زمینه رضایت اجتماعی را فراهم آورده است. سوم اینکه دولت رفاه فراگیر نوردیک با ایجاد پیوند بین کارفرماها، اتحادیه‌های تجاری و دولت، زمینه‌ای را فراهم می‌کند که به جای تحمیل قانون، با مذاکره، بندهای مقررات محیط کار را بین خود تعیین و تصویب می‌کند. همچنین دولت رفاه فراگیر نوردیک از عضویت بسیار بالای اتحادیه‌های کارگری برخوردار است و حقوق کارگران در حد بسیار بالایی در این اتحادیه‌ها پی‌گیری می‌شود.

^۱ در شاخص جهانی برابر جنسیتی (Global Gender Gap Index)، که هر ساله منتشر می‌شود، در سال ۲۰۱۸ به ترتیب ایسلند، نروژ، سوئد و فنلاند در رتبه‌های اول تا چهارم و در صدر فهرست جهانی قرار دارند (Global Gender Gap Index, 2018).

^۲ در شاخص مربوط به ضریب جینی (Ginni Index) که هر ساله برای در نظر گرفتن میزان برابری بین طبقات اجتماعی و اقتصادی در کشورها منتشر می‌شود و هر چه عدد آن به صفر نزدیک‌تر باشد، نشانه برابری بودن جامعه و اقتصاد است، کشورهای دانمارک، نروژ، سوئد، فنلاند و ایسلند به ترتیب در رتبه‌های یک تا پنج رتبه‌بندی جهانی سال ۲۰۱۸ قرار دارند. (Ginni Index, 2018)

نتیجه دیگر سنت آرمان‌شهری سوسیالیستی نوردیک سطح خارق‌العاده اعتماد در این کشورهاست که سبب شده تا بانک‌های دانمارکی، وام‌هایی با وثیقه کم یا بدون وثیقه به کارآفرینان بدهند، تا سرمایه لازم برای تشویق به کسب و کار فراهم شود (Beddy, 1943: 190). توزیع برابر درآمد، سلامتی، فقر اندک و اقتصاد پررونق، همه با دولت‌های بزرگ رفاهی همسو است.

سنت حکمرانی (ایده همبستگی و ایده دولت)

سنت حکمرانی، دولت-ملت و الگوی ملت‌سازی، سنت دیگر حوزه نوردیک است. ملت‌سازی در نوردیک در ارتباط محکم با سنت‌های اجتماعی از جمله هویت دینی لوتری، هویت منطقه‌ای اتحادیه «کالمار» و جنبش‌های متعددی شبیه به جنبش قانونی اساسی، جنبش حقوق مدنی، جنبش شهروندی و ... بوده است.

طبق مدل «اسمیت»، دین منبع هویت ملی تعریف می‌شود. این امر به‌ویژه در بسترهای قرون وسطی مشخص است. در ملل مدرن، اهمیت مذهب اغلب تحت‌الشعاع ملی‌گرایی قرار می‌گیرد. اسمیت مدلی را ارائه می‌دهد که طبق آن مذهب منبعی هم برای ملی‌گرایی مدنی و هم ملی‌گرایی قومی است. علاوه بر این، ملی‌گرایی خود به‌صورت آگاهانه‌ای براساس مذهب سنتی ترسیم می‌شود؛ چرا که ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌های ملی را در هویت ملی مدرن بازسازماندهی می‌کند (Smith 2003: 42-3). از این منظر، هویت‌های ملی نوردیک، با لوتریانیسم هم به‌عنوان یک ایمان و هم به‌عنوان مسیری از روابط ساختاری شده بین دولت، کلیسا و مردم در ارتباط است (Ingebritsen 2006:24)، به‌همین دلیل است که نقطه کانونی دولت رفاه کنونی، همین طرح و برنامه دولت-ملت‌سازی قلمداد می‌شود که در ارتباط مستقیم با اصلاحات دینی در نوردیک بوده است؛ بنابراین اصلاحات دینی هم در دولت-ملت‌سازی دخیل بوده و هم ابتدای مسیر دولت رفاه و دولت مسئولیت مدنی و خدمات اجتماعی بود.

این الگوی لوتری همزیستی دولت-کلیسا با پذیرش مسئولیت آموزش همگانی توسط کلیسا شروع شد و با نهضت قوانین اساسی، نهضت کلیسای آزاد، جنبش حق رأی، حقوق و آزادی های مدنی، نهضت محروم‌سازی کلیسا، همگام شد و روند دولت-ملت‌سازی رنگ خاصی را در حوزه نوردیک به خود گرفت، به نحوی که بخش شایان توجهی از برنامه‌ملت‌سازی نوردیک در پیوند با دین و آئین لوتری بوده است و این طرح ملت‌سازی تا همین اواخر و تا ابتدای قرن بیست و یکم و در پیوند با مسئله جهانی شدن و نئولیبرالیسم نیز ادامه داشته است. بنا بر آنچه گفتیم دولت - ملت‌های نوردیک، تجربه‌ای متفاوت در مناسبات بین دولت - اشراف - ملت در فرانسه و انگلستان را داشته‌اند. به دلیل تعلقات به نظم کالمار، ملی‌گرایی سوئدی، نوژی و دانمارکی، بیشتر شبیه به ملی‌گرایی نوردیک است. در خصوص جدال دولت - کلیسا نیز جوامع نوردیک با تجربه فرانسه و انگلستان و اروپای قاره‌ای مواجه نبوده‌اند، هم کلیسا و هم دهقانان در نوردیک بخشی از بار دولت در حوزه‌های آموزشی و خدمات اجتماعی را در دوره بعد از جنبش اصلاحات لوتری بر عهده گرفته‌اند و همین موضوع سبب شکل‌گیری و تقویت ایده دولت رفاه یا حتی با تسامح کلیسای رفاه یا دهقانان رفاه در نوردیک شده است؛ بنابراین می‌توان گفت که دولت-ملت نوردیک به واقع دولت-ملت با پیکربندی دولت-کلیسا، دولت-دهقانان و دولت-کارگران بوده است. همین موضوع نشان‌دهنده انعکاس حقوق مدنی و ملت در شکل‌گیری دولت بوده است. دولتی که ابتدا منبع هویتی خود (بعد از اصلاح دینی) را از کلیسا و دین گرفت، همان‌گونه که اسمیت بدان باورمند است، سپس منبع هویت خود را از جنبش‌های متعدد حقوق مدنی و اجتماعی (از جمله دهقانان، کارگران و ...) گرفت؛ بنابراین شکل خاصی از همبستگی بین نیروهای سیاسی و اجتماعی در جامعه شکل گرفت که بازتاب همه این نیروها در دولت نوردیک تبدیل به مدل خاص همبستگی در این جامعه شد؛ از این رو ملی‌گرایی نوردیک مدل منحصر به فردی از ملی‌گرایی را ارائه می‌دهد. شکل شماره یک الگوی مفهومی ارتباط بین سنت‌های اجتماعی نوردیک را ترسیم می‌کند.



معماهایی متناقض؛ اما ریشه‌دار در سنت‌های نوردیک

نتیجه مستقیم سنت‌های چهارگانه نوردیک ایجاد پیوند بین چهار سنت برابری، آزادی، بهره‌وری و همبستگی بوده است. وجود این پیوند سبب شده است تا الگوی توسعه نوردیک به‌ظاهر الگوی متناقض (پارادوکسیکال) و معماگونه به نظر برسد. وجود معمای «هزینه زیاد اجتماعی» و «بهره‌وری»، برآیندی از تأثیرگذاری سنت‌های اجتماعی و الگوهای فرهنگی و به‌طور مشخص ایجاد پیوند بین این سنت‌های اجتماعی در مناسبات اقتصادی و مناسبات مربوط به توسعه نوردیک بوده است. معماهایی که بدون فهم سنت‌های اجتماعی و جمع اعداد و جمع سنت‌های به‌ظاهر متناقض نوردیک امکان‌پذیر نیست.

معمای متناقض هزینه‌های زیاد اجتماعی و بهره‌وری در جامعه نوردیک

یکی از معماهای موجود در مدل نوردیک این است که «چگونه حکمرانی با هزینه‌های اجتماعی زیاد توانسته سطح بالایی از بهره‌وری را نیز به وجود آورد؟» مفروض عمومی این است که افزایش هزینه‌های اجتماعی، به بزرگ شدن دولت و متعاقباً کاهش بهره‌وری در نظام سوسیالیستی منجر می‌شود. همچنین مفروض مترادف دیگر این است که افزایش سطح بهره‌وری، به کارآمدی دولت و متعاقباً کاهش هزینه‌های اجتماعی در نظام سرمایه‌داری می‌انجامد. چگونه دولت سوسیال-دموکرات در مدل نوردیک (دولت رفاه با هزینه‌های بالای اجتماعی)، توانسته است سطح بالایی از بهره‌وری به دنبال داشته باشد؟

اقتصادهای حوزه نوردیک، اقتصادهای سوسیال دموکرات و سرمایه‌داری به صورت نظام اقتصاد های ترکیبی (Hybrid Economics System) هستند. این اقتصادها به معنای سستی آن سوسیالیستی نیستند؛ چرا که آنها بیشتر از اینکه از برنامه‌های دولت مرکزی برآمده باشند، از بازارهای مالی مشتق شده‌اند. با این حال دولت در نوردیک نقشی راهبردی در اقتصاد بازی می‌کند. این دولت‌ها سیستم‌های حقوقی دارند که از مالکیت شخصی و مالکیت گروهی حمایت و به اجرای قراردادها کمک می‌کنند. آنها دموکراسی‌هایی با نظارت، کنترل و قدرت های بازدارنده هستند (Hodgson, 2018). در همین زمینه توجهی به برخی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، نشان‌دهنده وضعیت ترکیبی اقتصاد نوردیک است.

هر یک از شاخص‌های «هزینه‌های اجتماعی»^۱ یا (SOCX) و «بهره‌وری» (Efficiency Index) شاخص‌هایی هستند که بالا بودن هر کدام به ترتیب نشان‌دهنده رویکرد سوسیال-دموکرات (Social Democratic Approach) یا لیبرال - سرمایه‌داری (Liberal Capitalism Approach) دولت‌ها محسوب می‌شود؛ بنابراین اقتصاد نوردیک به‌طور همزمان، سطحی بالایی از رقابت پذیری و بهره‌وری به همراه برابری اجتماعی را شکل داده است و رضایت اجتماعی را برای همه گروه‌های اجتماعی ایجاد کرده است؛ به عبارت دیگر حوزه نوردیک، هم جوامع ثروتمندی را ایجاد کرده و هم ارزش‌های قدرتمند برابری اجتماعی را ترویج داده است؛ از این رو مسئله یا معمای سستی ناسازگاری بین برابری اجتماعی و بهره‌وری، در اینجا حل شده است.

اگرچه دیدگاه‌های سستی هم در اقتصاد و هم در جامعه‌شناسی به ترویج یک منظر مخالف تمایل دارند؛ اما تمایل بیش از حد به برابری، بهره‌وری را تقلیل می‌دهد، درعین حال بهره‌وری در جای خود برابری را تنزل می‌دهد (Svendsen, 2009: 212)، اما آنچه در مدل نوردیک مشاهده می‌شود، «نه این و نه آن»، «هم این و هم آن» است؛ به همین دلیل معمای برابری اجتماعی - بهره‌وری، نیازمند درک و تفسیر بهتر و بیشتر آن است. آیا برابری اجتماعی ضرورتاً

^۱ شاخص هزینه‌های اجتماعی (Social Expenditure Index) یا (SOCX) نسبتی از تولید ناخالص داخلی را که نصیب دریافت‌کنندگان مزایای اجتماعی می‌شود، محاسبه می‌کند.

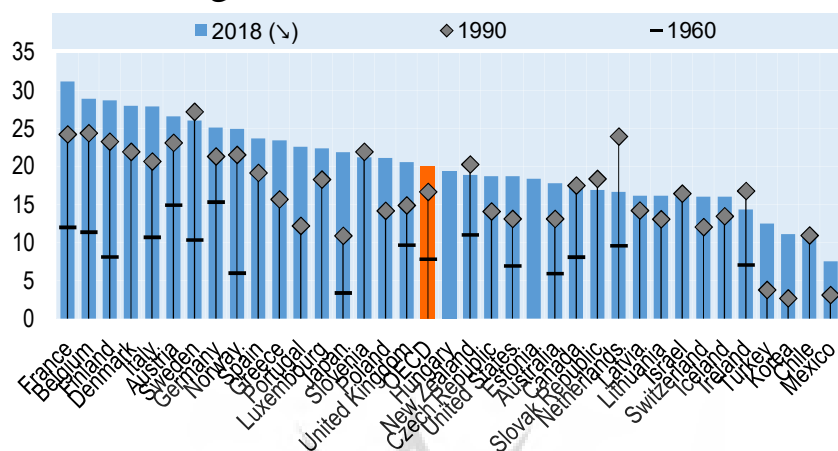
به معنی افزایش هزینه‌های اجتماعی در کشورهای نوردیک بوده است؟ به عبارت شفاف‌تر آیا «افزایش هزینه‌های اجتماعی» یا «برابری اجتماعی» مسئله دولت‌های نوردیک است؟

برابری اجتماعی یا افزایش هزینه‌های اجتماعی

در جوامع نوردیک موضوع اصلی این است که بهره‌وری توانسته است برابری اجتماعی را با خود به همراه داشته باشد و در همین زمینه جوامع نوردیک هم سطح بالایی از بهره‌وری را تجربه می‌کنند و هم توانسته‌اند برابری اجتماعی را تقویت کنند. اشتباه عمومی در جایی است که بالا بودن کیفیت برابری اجتماعی را به مثابه روی دیگر سکه هزینه اجتماعی دولت تلقی می‌کند، این درحالی است که برابری اجتماعی، لزوماً به این معنی نیست که دولت بایستی «هزینه‌های اجتماعی» را بالا ببرد. برای سنجش این امر که «آیا هزینه‌های اجتماعی یا مخارج اجتماعی دولت‌های رفاه بیشتر از دولت‌های سرمایه‌داری است»، بایستی ابتدا نگاهی به آمار و داده‌هایی داشته باشیم که مصارف و مخارج اجتماعی این کشورها را منتشر کرده‌اند.

از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۱۸ هزینه اجتماعی در کشورهای حوزه نوردیک نسبت به سایر کشورهای اروپا و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) افزایش چشمگیری نداشته است. حتی در برخی از کشورهای حوزه نوردیک هزینه‌های اجتماعی کاهش داشته است؛ برای مثال در سوئد هزینه‌های اجتماعی در سال ۱۹۹۰، ۲۷/۲ بوده است که در سال ۲۰۱۸ به ۲۶/۱ رسیده است. این درحالی است که در بیشتر کشورها و در کلیت OECD این شاخص افزایش داشته است.

شکل شماره (۲): هزینه‌های اجتماعی نسبت به تولید ناخالص داخلی^۱ (منبع: OECD 2019)



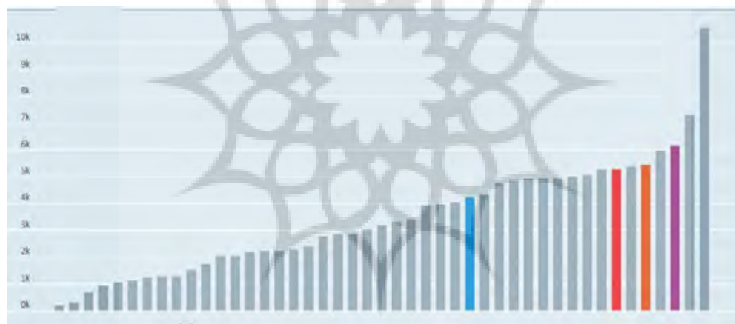
همان گونه که مشاهده می‌شود هزینه‌های اجتماعی در برخی از کشورهای عضو OECD حتی بالاتر از کشورهای حوزه نوردیک است. در خصوص ایسلند حتی مشاهده می‌شود که از کلیت OECD پائین‌تر است؛ بنابراین اختلاف درخور ملاحظه‌ای در شاخص SOCX بین کشورهای حوزه نوردیک و کشورهای OECD وجود ندارد و میزان منابعی که این دولت‌ها صرف هزینه‌های اجتماعی می‌کنند یا به عبارت شفاف‌تر «شاخص کل هزینه‌های اجتماعی» کشورهای حوزه نوردیک اختلاف شایان ملاحظه‌ای با کشورهای دیگر و در اینجا کشورهای OECD ندارد؛ از این رو وجه نخست معمای برابری اجتماعی - بهره‌وری همین‌جاست که اساساً مسئله کشورهای حوزه نوردیک دوگانه بهره‌وری-افزایش هزینه‌های اجتماعی نیست، بلکه مسئله، بهره‌وری - برابری اجتماعی است و رسیدن به سطح بالایی از برابری اجتماعی در دولت‌های حوزه نوردیک، لزوماً با پیش شرطی به نام «افزایش هزینه‌های اجتماعی» همراه نبوده است.

^۱ کلیه جداول و داده‌های OECD براساس نسبت آن‌ها با تولید ناخالص داخلی GDP است.

سازوکار مصارف اجتماعی - چشم‌انداز حکمرانی

اگرچه همان‌گونه که ذکر شد، وضعیت جوامع نوردیک نسبت به سایر جوامع OECD در شاخص هزینه‌های اجتماعی وضعیتی نسبتاً طبیعی است؛ اما بخشی از چالش «بالا بودن هزینه‌های اجتماعی» در دولت رفاه نوردیک به بالا بودن هزینه‌های مربوط به حوزه سلامت بر می‌گردد. همین موضوع سبب شده است تا کشورهای نوردیک جزو پرهزینه‌ترین کشورها در حوزه سلامت عمومی معرفی شوند. نگاهی به شاخص هزینه‌های عمومی برای سلامت^۱ در آمارهای منتشر شده که در جدول شماره سه ترسیم شده است، نشان می‌دهد که سهم کشورهای حوزه نوردیک در پرداخت‌های حوزه سلامت نتایج مهمی را در بهره‌وری داشته است.

شکل شماره (۳): شاخص مربوط به هزینه سلامت (منبع: OECD ۲۰۱۹)



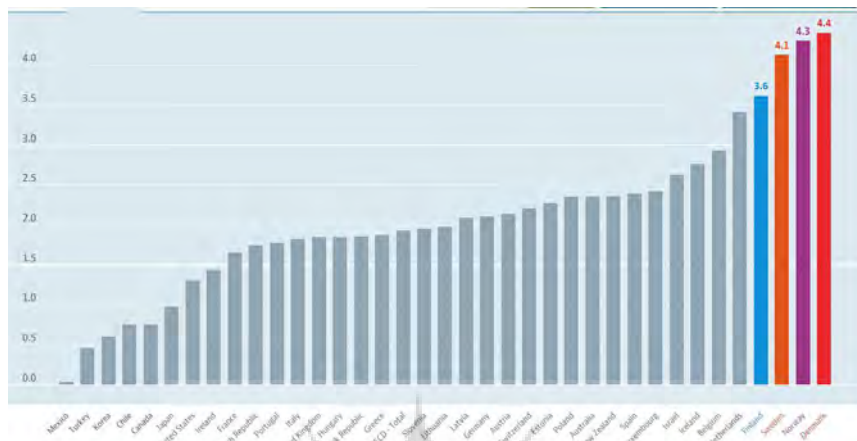
^۱ شاخص هزینه‌های عمومی برای سلامت (Health Spending): مصارف کلی حوزه مراقبت سلامت اعم از کالاها و خدمات (یعنی پرداخت‌های جاری سلامت) شامل مراقبت از سلامت شخصی (مراقبت درمانی، مراقبت توان‌بخشی، مراقبت طولانی‌مدت، خدمات جانبی و کالاهای پزشکی) و خدمات جمعی می‌شود. این شاخص به‌عنوان یک کل و براساس نوع تأمین مالی ("دولتی / اجباری"، "داوطلبانه"، "خارج از جیب") ارائه می‌شود و به‌عنوان سهمی از کل تولید ناخالص داخلی، به مثابه سهم از کل هزینه‌های بهداشتی و به دلار آمریکا اندازه‌گیری می‌شود.

در پاسخ به اینکه چرا هزینه‌های عمومی مربوط به بخش سلامت و ناتوانی در دولت رفاه نوردیک بالاست، بایستی به تأثیر ایده‌دولت و سنت همبستگی در حکمرانی در چشم‌انداز حکمرانی اشاره کرد. سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در دولت رفاه نوردیک با احتساب چشم‌انداز حکمرانی بلندمدت، تدوین شده است و نتیجه مستقیم سیاست‌های دولت رفاه نوردیک در خصوص مصارف اجتماعی، همین چشم‌انداز حکمرانی و نگاه هزینه - فایده در حوزه اجتماعی است. به عبارت شفاف‌تر، تمرکز بر روی مصارف اجتماعی، با روند سیاست‌گذاری بلندمدت دولت رفاه هم‌خوانی دارد.

دولت رفاه با فراهم آوردن زمینه‌هایی که مشکلات خدمات اجتماعی، سلامتی و رفاه برای مردم ایجاد نشود، خود را با چالش‌ها و هزینه‌های مربوط به حل مشکلات پسینی در حوزه‌های اجتماعی، سلامتی و رفاهی شهروندان مواجه نمی‌کند و بدین ترتیب با صرف بیشینه هزینه‌های اجتماعی پسینی (بخوانید سرمایه‌گذاری)، هزینه‌های اجتماعی پسینی (بخوانید دشواره‌ها) را به کمترین میزان می‌رساند. خدمات مربوط به سلامت برای کودکان قبل از به دنیا آمدن، خدمات مربوط به حوزه اجتماعی قبل از بروز بحران‌های اجتماعی و خدمات مربوط به حوزه رفاه شهروندان، قبل از ایجاد بحران‌های بیکاری و مسکن و ...، از جمله خدماتی است که دولت رفاه با برنامه‌ریزی بلندمدت و در یک چارچوب هدایت پیشینی برای اجتناب از بحران‌های پسینی، آن‌ها را ارائه می‌دهد؛ برای مثال کشورهای حوزه نوردیک در شاخص مربوط به حمایت اجتماعی برای ناتوانی^۱ (درصد از تولید ناخالص داخلی کشور)، که در شکل شماره چهار ترسیم شده است، در رتبه‌های اول کشورهای توسعه یافته قرار دارند.

^۱ شاخص هزینه‌های عمومی برای ناتوانی (Public spending on incapacity): به هزینه‌های ناشی از بیماری، ناتوانی و جراحات شغلی اشاره دارد. این شاخص شامل مزایای نقدی است که به دلیل ناتوانی کامل یا جزئی ناشی از مشارکت در بازار کار ایجاد می‌شود.

شکل شماره (۴): شاخص مربوط به هزینه‌های عمومی برای ناتوانی (منبع: OECD ۲۰۱۹)



حمایت از نظام خدمات درمانی خانوار نمونه‌ای دیگر از خدمات دولت رفاه نوردیک است. این نظام خدمات درمانی بدین ترتیب عمل می‌کند که کودک و مادر تحت پوشش پرستار و پزشک خانوار قرار دارند؛ به همین سبب به‌میزان بیشتری نسبت به نارسایی‌های پزشکی خود مطلع می‌شوند، همین موضوع سبب شده است تا کشورهای حوزه نوردیک با مراجعات کمتری نسبت به سایر کشورها در حوزه پزشکی همراه باشند.

نظام پیشگیری سلامت، هم هزینه‌های عمومی بهداشت و درمان را در این کشورها کاهش می‌دهد و هم کارآمدی بیشتر نیروی انسانی در این کشورها را در پی داشته است؛ برای مثال در دانمارک، سلامت همه کودکان مرتباً در خانه از سوی یک پرستار بررسی می‌شود. این موضوع ممکن است به‌خوبی به پیشگیری از مشکلات سلامت منجر شود. در صورت نبود چنین سازوکاری، مشکلات سلامت تنها می‌توانند پس از پدیداری کامل و با صرف هزینه‌های بیشتر در نظام سلامت عمومی، درمان شوند؛ از این رو، چنین اقدامی برای اینکه از لحاظ مالی منطقی جلوه کند، باید براساس تحلیل هزینه-فایده اجتماعی قضاوت شود؛ اما اجرای این کار ساده نیست، مگر آنکه دولت هزینه‌های پرستاری به‌علاوه هزینه‌های بعدی سلامت را پرداخت کند.

این همان چیزی است که برتیلسون و اندرسون آن را این‌گونه تعبیر می‌کنند: «در دولت رفاه انتخاب فقط بین مصرف امروز و رفاه امروز نیست. انتخاب بین رفاه امروز و رفاه فردا بسیار رایج‌تر است. دولت‌های رفاه جاودانه‌اند. آن‌ها انتظار دارند برای آینده پیش‌بینی‌پذیر، قدرتمند باشند.» (Svendsen, 2009: 217).

چرخه بازتوزیع صحیح؛ قطعه گمشده معمای نوردیک

با وجود اینکه آمارها نشان می‌دهد که اختلاف زیادی میان حوزه نوردیک و سایر کشورها در شاخص مخارج اجتماعی وجود ندارد و همچنین با توجه به سیاست‌های هزینه‌بر پیشینی دولت‌های رفاه نوردیک در خصوص کالاهای عمومی به‌ویژه سلامت، معمای نوردیک را با بُعد مهم غیرعینی و روانی آن؛ یعنی «چرخه توزیع و بازتوزیع» بهتر می‌توان حل کرد. جوامع حوزه نوردیک، جوامعی ثروتمند هستند و درعین حال با توزیع کاملاً برابر درآمد‌ها توصیف شده‌اند. تفاوت کشورهای اسکاندیناوی با مدل‌های سرمایه‌داری در این است که مدل‌های سرمایه‌داری ارزش افزوده اقتصادی را به‌عنوان ارزش تولیدی بیش از میزان مورد نیاز برای بقای طبقه کارگر ایجاد می‌کنند و این ارزش افزوده به‌وسیله سرمایه‌داران به‌صورت ناخواسته مصرف می‌شود. نظام اقتصادی ارزش افزوده‌ای را ایجاد می‌کند که در پرتو این ارزش افزوده، ارزش تولید بیشتر از میزان لازم برای رضایت کارگران ایجاد می‌شود؛ اما در دولت رفاه نوردیک پندار کلی این است: تولید بیشتر، ارزش افزوده بیشتر، بالاتر و مرفه‌تر. دولت رفاه می‌تواند منافع بیشتری نسبت به دولت‌های سرمایه‌داری نصیب شهروندان کند؛ به این دلیل که در برابر اقتصادهای سرمایه‌داری که بر ارزش افزوده تکیه صرف می‌کنند، اقتصاد بهره‌ورانه‌تری دارد. مدل دولت رفاه نوردیک، مصرف‌گرایی موجود در نظام اقتصادی سرمایه‌داری را با رفاه بیشتر اجتماعی جایگزین می‌کند؛ به‌عبارتی نظام بازتوزیع فعال‌تری نسبت به اقتصادهای سرمایه‌داری در مدل نوردیک وجود دارد. اگرچه سخت‌گیری مالیاتی در مدل نوردیک وجود دارد؛ اما به‌دلیل ورود مجدد آن به سامانه اجتماعی، نارضایتی اجتماعی در مدل مالیات‌گیری نوردیک وجود ندارد؛ به‌عبارتی وجه روانی اطمینان فرد نسبت به پوشش

اجتماعی دولت رفاه، سبب می‌شود تا نسبت به پرداخت مالیات امروز برای رفاه فردا خشنود باشد (Svendsen, 2012: 217).

هزینه‌های اجتماعی از نهاد مالیات عمومی گرفته می‌شود و در چرخه‌ای قرار می‌گیرد که فشار در خور ملاحظه‌ای به حوزه عمومی وارد نمی‌کند، یا دست‌کم با نارضایتی اجتماعی و عمومی به‌همراه ندارد. این مدل بازتوزیعی نوردیک را می‌توان در شکل شماره پنج مشاهده کرد.

شکل شماره (۵): مدل روانی چرخه بازتوزیعی حوزه نوردیک



معمای متناقض نظام دوگانه سوسیال دموکرات - اقتصاد بازار

همچنان که جفری هندسون (G. Henderson)، استاد اقتصاد دانشگاه «هرتفوردشر» می‌گوید: «کشورهای نوردیک نشان دادند که می‌توان اصلاحات بزرگ برابری طلبانه و دولت رفاه فراگیر را در کشورهای سرمایه‌داری موفق که میزان بالایی از آمیختگی در بازار جهانی دارند، انجام

داد. آن‌ها همچنین نشان دادند که پیامدهای انسانی و برابری در سرمایه‌داری، ممکن است، اگرچه سوسیالیسم تمام‌عیار در عمل همیشه فاجعه به بار می‌آورد.» (Hodgson, 2018).

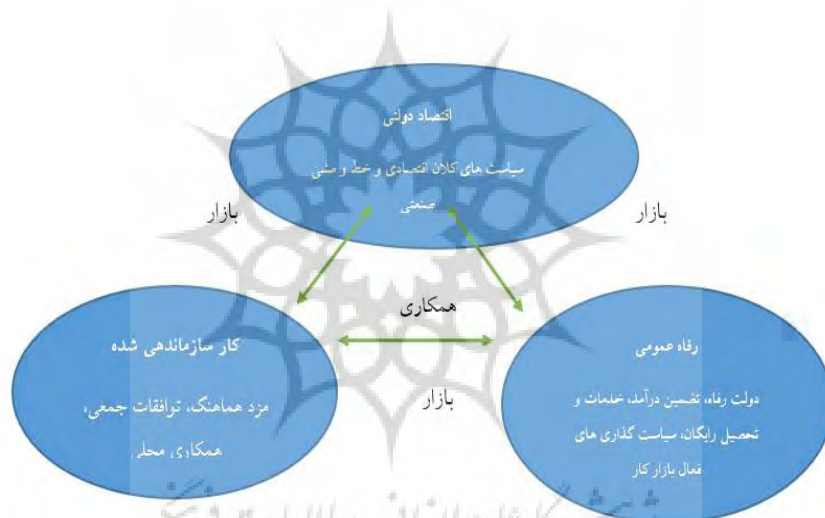
نظام ترکیبی نوردیک را می‌توان با استعاره «همه و هیچ» بیشتر توضیح داد؛ بدین معنی که وقتی یک نمونه از توسعه در حوزه نوردیک مشاهده می‌شود، نه می‌توان آن را برخاسته از ساختار سوسیالیستی صرف دانست و نه برخاسته از نظام اقتصاد بازار، بلکه هم متأثر از نظام سوسیال دموکرات است و هم اقتصاد بازار؛ برای مثال این ایده عمومی که بسیاری از شرکت‌ها، خدمات و کالاهای مهم و راهبردی در حوزه نوردیک صرفاً محصول نظام سوسیال دموکرات هستند، اشتباه است. پس اگر گفته شود که کالاهای مرتبط با نظام نوردیک، تولیدات نظام سوسیال دموکرات محسوب می‌شوند، اشتباه است، به‌جای آن باید گفت کالاهای مهم قبل از ایجاد دولت رفاه فراگیر وجود داشته‌اند (Greiner, 2019). این موضوع به نحو دیگری در معمای برابری اجتماعی - بهره‌وری توضیح داده شد.

نظام اقتصادی حوزه نوردیک ترکیبی از نظام سرمایه‌داری و نظام سوسیال دموکراسی است. این نظام اقتصادی، سیاست‌های اجتماعی را در پی داشته است که به مدل اقتصادی نوردیک مشهور است. مدل اقتصادی نوردیک شامل یک دولت رفاه فراگیر با همگرایی جمعی، تعامل و فعال‌سازی وسیع نیروی کارگری متشکل از اتحادیه‌های کارگری متعدد، بر پایه‌های نظام اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر بازار آزاد است. به این نظام موجود در کشورهای اسکاندیناوی، نظام یا سامانه ترکیبی سرمایه‌داری - سوسیال دموکراسی گفته می‌شود.

از جمله مؤلفه‌های این نظام اقتصادی می‌توان به استقلال مدنی و مالکیت شخصی، بازار و تجارت آزاد (نبود دخالت دولت)، استقلال تشکلهای کارگری و تحرکات اجتماعی از دولت، چانه‌زنی نمایندگان تشکلهای کارگری و کارفرماها با وساطت دولت و ... اشاره کرد. جان اریک دالویک مدل سه قطبی از همکاری اقتصادی نوردیک را به تصویر می‌کشد که ترکیبی از اقتصاد دولتی، رفاه عمومی و کار سازماندهی شده است. در این مدل دولت با اعمال سیاست‌های کلان اقتصادی، سیاست‌گذاری‌های کلی صنعتی را مشخص می‌کند.

در حوزه رفاه عمومی، دولت با تضمین درآمد همه افراد (حتی در دوره بیکاری، با پرداخت بیمه‌های بیکاری تا حد ۸۰ درصد مزد افراد شاغل)، تضمین خدمات عمومی و تحصیل رایگان و همچنین سیاست‌گذاری‌های فعال در بازار کار، نقش عمده‌ای در حوزه رفاه عمومی ایفا می‌کند و در نهایت مزدی هماهنگ برای کار سازماندهی شده در نظر گرفته و با نظام چانه‌زنی کارگر - کارفرما، رضایت دستمزد را تضمین می‌کند. شکل شماره شش این رابطه را به تصویر کشیده است.

شکل شماره (۶): مدل همکاری اقتصادی نوردیک (منبع: Dolvik, 2013)



معمای همراهی ثروتمندان با دولت رفاه نوردیک

معمای متناقض دیگر توسعه حوزه نوردیک به معمای همراهی ثروتمندان با دولت رفاه نوردیک بر می‌گردد. برای حل کردن این معما نیز ضروری است به سنت‌های اجتماعی و الگوهای فرهنگی که پیشتر ذکر شد، مراجعه شود. برخلاف نظام سرمایه‌داری که در آن مالیات

از ثروتمندان گرفته می‌شود و بیشتر بین نیازمندان توزیع می‌شود، مزیت مدل نوردیک در این است که نخست مالیات از تمام گروه‌ها گرفته می‌شود و سپس بین همه گروه‌ها اعم از ثروتمندان، طبقه متوسط و نیازمندان توزیع می‌شود؛ به عبارتی مزایای ناشی از مالیات هم شامل نیازمندان می‌شود و هم ثروتمندان.

در این نظام مالیات‌گیری، تفاوت صرفاً در «سطح درآمد» است؛ چرا که مالیات بسته به سطح درآمد به صورت مشخص (برای مثال در سوئد ۴۰ درصد مالیات بر درآمد شخصی به صورت مستقیم) دریافت می‌شود و اما مزایای برخاسته از این مالیات بین همه به صورت یکسان توزیع می‌شود. همین موضوع سبب شده است تا دولت رفاه نوردیک خاصیت فراگیر به خود گیرد. منظور از «فراگیر» (Universal) در اینجا این است که در نظام بازتوزیع، همه افراد (اعم از غنی و فقیر) مزایای ناشی از دریافت مالیات توسط دولت را تجربه می‌کنند.

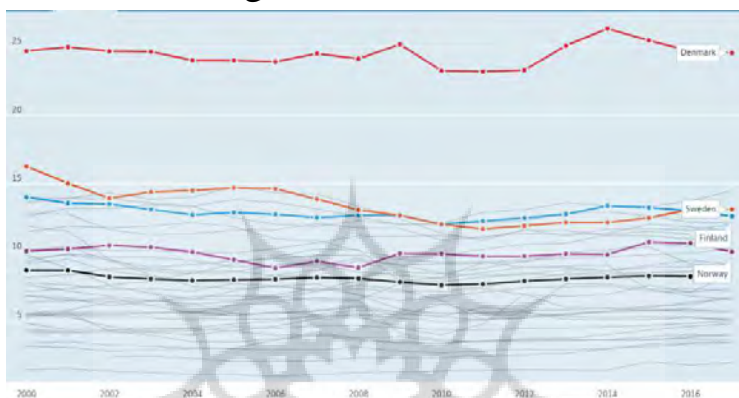
بو روشتیاین (B. Rothstein) در مقاله «دولت رفاه فراگیر» «Universal welfare states» (Rothstein, 2009: 197) به توضیح عملکرد این مدل می‌پردازد. سطح نارضایتی اجتماعی در چنین شبکه‌ای از بازتوزیع (در اینجا به طور خاص ثروتمندان که در نظام سخت‌گیرانه مالیات‌گیری، مالیات بیشتری پرداخت می‌کنند) کمتر مشاهده می‌شود؛ چرا که ثروتمندان احساس نمی‌کنند که عده‌ای به دلیل مالیات دادن آنان، سواری مجانی (Free riders) می‌کنند و یا اینکه این مالیات صرفاً از جیب آن‌ها خالی شده و به جیب نیازمندان وارد می‌شود. توزیع مزایا بین همه به صورت یکسان صورت می‌گیرد و نارضایتی به دلیل نابرابری در دریافت مزایا کمتر مشاهده می‌شود. از بین رفتن فرصت‌های سواری مجانی توسط عده‌ای، بُعد روانی معمای همراهی ثروتمندان با دولت رفاه نوردیک و پرداخت مالیات‌های سرسام‌آور را توجیه می‌کند.

نمودار زیر نشان می‌دهد که دانمارک با تفاوتی بسیار زیاد نسبت به سایر کشورهای توسعه یافته، مالیات بر درآمد شخصی افراد^۱ را به صورت مستقیم دریافت می‌کند. سوئد، فنلاند و

^۱ مالیات بر درآمد شخصی افراد (Tax on personal income) شاخصی است که به اندازه‌گیری مالیات بر درآمد خالص (درآمد ناخالص منهای تسویه حساب مالیاتی مجاز) و سود سرمایه افراد می‌پردازد. این

نروژ نیز نظام مالیات‌گیری سخت‌گیرانه‌ای را تجربه می‌کنند. میزان مالیات حاشیه‌ای برای یک کسب‌وکار سوئدی در برخی از مواقع در قرن بیستم به ۱۰۰ درصد عائدی و حتی متجاوز از آن نیز می‌رسید. شکل شماره هفت ترسیم‌کننده مالیات از درآمد شخصی است.

شکل شماره (۷): مالیات از درآمد شخصی (منبع OECD ۲۰۱۹)



اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی

برای حل کردن معمای همراهی ثروتمندان با طرح‌ها و برنامه‌های دولت رفاه فراگیر، ابتدا بایستی نگاهی به نظام اعتماد عمومی (Public Trust) و سرمایه اجتماعی (Social Capital) در این جوامع داشته باشیم. اعتماد و سرمایه اجتماعی جزو بنیان‌های نظام اجتماعی نوردیک و از برآیندهای اجتماعی سنت‌های چهارگانه حوزه نوردیک محسوب می‌شوند.

در بین تعاریف سرمایه اجتماعی این تعریف مفیدترین تعریف برای ما است تا بتوانیم دیدگاهی وسیع نسبت به آن چیزی که در حوزه نوردیک صورت‌بندی شده است، بازنمایی کنیم: «سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه

شاخص به کل دولت (تمام سطوح دولت) مربوط می‌شود و درصد تولید ناخالص داخلی و کل مالیات اندازه‌گیری می‌شود.

صورت‌بندی اصول بنیادین توسعه در مدل نوردیک (رضا رحمتی) ۲۲۵

می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم‌وبیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد» (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۶).

موضوع اعتماد، به روان‌شناختی اجتماعی جامعه نوردیک بر می‌گردد و ریشه در ایده دولت نوردیک دارد و موضوع سرمایه اجتماعی، به جامعه‌شناسی اجتماعی جامعه نوردیک بر می‌گردد و ریشه در سنت همبستگی نوردیک دارد. این دولت‌ها برای کاهش هزینه‌های اقتصادی و مبادله و همچنین تسهیل تجارت و خلق ثروت به میزان بسیار زیادی از این دو مقوله بهره برده‌اند. داده‌هایی که در «پیمایش ارزش‌های جهانی»

(World Values Survey (WVS)) در خصوص شاخص‌های اعتماد و ارزش‌های خوداظهاری، منتشر شده است، کشورهای حوزه نوردیک را در صدر هرم اعتماد اجتماعی قرار داده است (WVS 1981-2015).

شاخص‌هایی که «پیمایش ارزش‌های جهانی» در نظر گرفته است، ارزش‌های خوداظهاری در خصوص حفاظت از محیط زیست، افزایش مدارا با بیگانگان، برابری جنسیتی و افزایش تقاضا برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها در زندگی اقتصادی و سیاسی را در بر می‌گیرد (WVS wave 5 2008). رونالد اینگلهارت (R. Inglehart) یکی از محققانی است که با استفاده از شاخص‌های متعددی از جمله «آرزوهای دموکراتیک»، «قوی‌سازی شهروندان»، «جهانی‌سازی و ارزش‌های همگرا»، «ارزش‌های جنسی»، «مذهب»، «شادی و رضایت زندگی»، فهرستی را ارائه می‌دهد که در صدر این فهرست، کشورهای حوزه نوردیک قرار دارند (Inglehart, 2019) (همچنین بنگرید به (Tausch, 2015).

اعتماد به صورت گسترده‌ای در بین ملت‌ها متفاوت است. در کشورهایی مانند نروژ، سوئد، دانمارک و هلند در حدود شصت درصد مردم معتقدند که بیشتر افراد می‌توانند قابل اعتماد باشند، درحالی‌که در برزیل، فیلیپین و ترکیه در حدود ده درصد مردم به دیگران اعتماد دارند. مطابق بحث دل‌هی و نیوتون (۲۰۰۴) وقتی مردم می‌گویند که فکر می‌کنند بیشتر افراد می‌توانند اعتمادپذیر باشند، این امر می‌تواند به‌عنوان برآوردی از معیار اخلاقی آن جامعه تلقی شود. این اعتماد در قالب «انسجام اجتماعی» متجلی می‌شود و

در کارهایی که افراد انجام می‌دهند اعم از صدقه دادن، وقت خود را به‌رایگان در اختیار دیگران قرار دادن و ... در سیاست‌های جوامعی که در پی کمک به کسانی‌اند که امکانات کمی در اختیار دارند، منعکس می‌شود (Uslander, 2002) و محسنی تبریزی، ۱۳۸۹: ۴۳). اعتماد، اگرچه در ابتدا مقول‌ای بین‌فردی محسوب می‌شود؛ اما در نوعی از اعتماد که به «اعتماد تعمیم‌یافته» مشهور است، اعتماد به افرادی که با هم تعامل دارند و روابط چهره به چهره برقرار می‌سازند، محدود نمی‌شود، بلکه این نوع اعتماد مرزهای خانوادگی، همسایگی، قومی و محلی را در می‌نوردد و در سطح ملی گسترش می‌یابد. اعتماد تعمیم یافته، پدیده نسبتاً جدیدی است که با پیدایش دولت‌های مدرن مطرح می‌شود و لازمه آن، همکاری و مشارکت میلیون‌ها شهروندی است که در جوامع مدرن امروزی زندگی می‌کنند (گلابی، ۱۳۸۳: ۵۵). این نوع از اعتماد، همان چیزی است که در مدل نوردیک به‌خوبی دیده می‌شود.

اعتماد تعمیم‌یافته در حوزه نوردیک نه‌تنها روابط بین‌فردی، بلکه مناسبات اجتماعی را درنوردیده و تبدیل به یک امر عمومی شده است. نتایج یک نظرسنجی از بین شهروندان سوئدی در خصوص مسئله اعتماد و شفافیت اجتماعی و در پاسخ به این پرسش که تا چه اندازه مایلند دیگران در شبکه‌های اجتماعی اطلاعات مالی، آدرس سکونت و مشخصات خانوادگی آنان را بدانند، نشان‌دهنده میزان بالای اعتماد متقابل اجتماعی به هم بوده است. ۶۷ درصد از شهروندان سوئدی معتقد بودند که مشکلی با انتشار اطلاعات شخصی خود در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی ندارند. ۱۰ درصد از آن‌ها با انتشار اطلاعاتشان در فضای مجازی در تعارض بوده‌اند. این در حالی است که وقتی همین پرسش از شهروندان ایرانی پرسیده شده است، تنها دو درصد از پاسخ‌دهندگان ایرانی حاضر بودند اطلاعات مالی آن‌ها را دیگران در شبکه‌های مجازی و در دنیای اینترنت بدانند. ۸۸٪ از آن‌ها حاضر به شفافیت اطلاعات خود در دنیای مجازی نبوده‌اند (Rahmati,

یکی از جلوه‌های اعتماد تعمیم‌یافته در کشورهای حوزه نوردیک را می‌توان سامانه ثبت اطلاعات مدنی افراد مشهور به ((Civil Registration System (CPR)) دانست. دستورنامه سرمایه اجتماعی از این نظام «ز گهواره تا گور تامین اجتماعی» (from gradle to crave social security system) با عنوان یکی از نشانه‌های عمده سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی یاد کرده است. CPR یا همان سامانه ثبت اطلاعات مدنی، بدین ترتیب اقدام می‌کند که افراد از بدو تولد با یک شماره مشخص CPR به شهروندی کشورهای نوردیک در می‌آیند و برای انجام هر یک از کارهای خود اعم از کارهای مربوط به سلامت، امور اداری، امور مربوط به پارک خودرو، امور مالیاتی، امور تحصیل، تسهیلات بانکی، شماره استخدامی و ... از این شماره استفاده می‌کنند؛ به عبارتی یک سامانه یکپارچه الکترونیکی در این کشورها وجود دارد که تمام اطلاعات فردی، مالی، عمومی و خصوصی فرد در آن ثبت می‌شود.

وجود این سامانه به معنای وجود ظرفیت بسیار بالایی از اعتماد عمومی به روش‌های عمومی (دولتی) برای مدیریت مناسبات شهروندان است. در اختیار داشتن این حجم از اطلاعات شخصی توسط دولت می‌تواند زمینه مشکلاتی شبیه به دستکاری و دخالت در حریم خصوصی را در پی داشته باشد؛ اما در کشورهای اسکاندیناوی سطح بالای اعتماد عمومی سبب شده است تا این نظام متمرکز به درستی انجام وظایف عمومی را تعقیب کند (Svendson, 2009: 219).

اعتماد تعمیم‌یافته یکی از پایه‌های شکل‌گیری دولت رفاه فراگیر حوزه نوردیک است. اعتماد تعمیم‌یافته اجتماعی و در نتیجه به وجود آمدن سرمایه اجتماعی سبب شده است تا دولت در جایگاه نهاد بازتوزیع‌کننده ثروت همگانی اعتماد عمومی به وجود آید و متعاقب آن دولت به مثابه موجودیتی مستقل و یک نهاد فراتر از هر نهادی در پرتو این اعتماد عمومی شکل گیرد و خود دولت عاملی برای تقویت اعتماد عمومی شود. در چنین شرایطی، جامعه سطح بالایی از مالیات را پرداخت می‌کند؛ چون به نهادهای عمومی تأمین‌کننده امنیت اجتماعی خود اعتماد دارد.

نهادهای عمومی، تأمین‌کننده سطح بالایی از امنیت اجتماعی هستند؛ زیرا به مردم به‌عنوان تأمین‌کننده مالیات برای امنیت اجتماعی خود اعتماد دارد؛ بنابراین یک چرخه زندگی خوب در اسکاندیناوی شکل گرفته است که پشتیبان امنیت اجتماعی دولت رفاه فراگیر و سطح بالای مالیات‌گیری است. هیچ چیز جز سطح بالای اعتماد در جامعه نمی‌تواند ضامن چنین چرخه زندگی خوب در دولت رفاه نوردیک باشد.

توسعه انسانی

بُعد دیگر معمای همراهی ثروتمندان با دولت رفاه به مسئله توسعه سرمایه انسانی بر می‌گردد. همگام با توسعه سرمایه اجتماعی در حوزه نوردیک، سرمایه انسانی با شاخص توسعه انسانی (Human development Index) از مؤلفه‌های اصلی یا اصول بنیادین توسعه نوردیک بوده است. جدول زیر شاخص توسعه انسانی را نشان می‌دهد که مطابق با شاخص‌های موجود در آن کشورهای نوردیک در بین پانزده کشور اول در توسعه انسانی هستند.

هرچه عدد شاخص توسعه انسانی به عددیک نزدیک‌تر باشد، توسعه انسانی مترقی‌تر است و هرچه توسعه انسانی مترقی‌تر، چشم‌انداز حکمرانی وسیع‌تر و نگاه آینده‌مدارانه به نظام سیاسی بهتر. جدول شماره یک این شاخص را به مشخص کرده است.

جدول شماره ۱: شاخص توسعه انسانی و جزئیات آن

شماره	نام کشور	شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی در سالهای انتظار مدرسه	میانگین سال‌های تحصیل	خالص درآمد ملی
۱	نروژ	۹۵۳	۸۲٫۳	۱۷٫۹	۶۸٫۰۱۲
۲	سوئیس	۹۴۴	۸۳٫۵	۱۶٫۲	۵۷٫۶۲۵
۳	استرالیا	۹۳۹	۸۳٫۱	۲۲٫۹	۴۳٫۵۶۰
۴	ایرلند	۹۳۸	۸۱٫۶	۱۹٫۶	۵۳٫۷۵۴
۵	آلمان	۹۳۶	۸۱٫۲	۱۷	۴۶٫۱۳۶

صورت‌بندی اصول بنیادین توسعه در مدل نوردیک (رضا رحمتی) ۲۲۹

۶	ایسلند	۹۳۵	۸۲٫۹	۱۹٫۳	۱۲٫۴	۴۵٫۸۱۰
۷	هنگ کنگ	۹۳۳	۸۴٫۱	۱۶٫۳	۱۲	۵۸٫۴۲۰
۸	سوئد	۹۳۳	۸۲٫۶	۱۷٫۶	۱۲٫۴	۴۷٫۷۶۶
۹	سنگاپور	۹۳۲	۸۳٫۲	۱۶٫۲	۱۱٫۵	۸۲٫۵۰۳
۱۰	هلند	۹۳۱	۸۲	۱۸	۱۲٫۲	۴۷٫۹۰۰
۱۱	دانمارک	۹۲۹	۸۰٫۹	۱۹٫۱	۱۲٫۶	۴۷٫۹۱۸
۱۲	کانادا	۹۲۶	۸۲٫۵	۱۶٫۴	۱۳٫۳	۴۳٫۴۳۳
۱۳	ایالات متحده	۹۲۴	۷۹٫۵	۱۶٫۵	۱۳٫۴	۵۴٫۹۴۱
۱۴	بریتانیا	۹۲۲	۸۱٫۷	۱۷٫۴	۱۲٫۹	۳۹٫۱۱۶
۱۵	فنلاند	۹۲۰	۸۱٫۵	۱۷٫۶	۱۲٫۴	۴۱٫۰۰۲

منبع: برنامه توسعه ملل متحد (UNITED NATIONS DEVELOPMENT PROGRAMME)

شفافیت و مبارزه با فساد

علاوه بر توسعه انسانی و اعتماد عمومی، شفافیت را نیز می‌توان از جمله مؤلفه‌های همراهی جامعه با دولت بر شمرد. یکی از مهم‌ترین ایرادهای وارد به نظام‌های سوسیالیستی این بوده که دولت به دلیل بزرگی و حجم انبوهش، از مبارزه با فساد و اعمال شفافیت ناتوان است؛ اما در نظام نوردیک نه تنها دولت با این مشکل دست به گریبان نبوده است، بلکه دولت‌های حوزه نوردیک در صدر جدول مبارزه با فساد و اعمال شفافیت بین‌المللی هستند.

سازمان شفافیت بین‌الملل که وظیفه دارد به صورت سالانه شاخص فساد را منتشر کند، فنلاند، دانمارک، نروژ و سوئد را جزو برترین‌های فهرست معرفی کرده است (international transparency, 2018)؛ این بدان معنی است که فساد در این کشورها، تبدیل به یک مسئله اجتماعی نشده است. در پاسخ به این پرسش که چگونه دولت‌های حوزه نوردیک در عین فراگیر بودن از نوع دولت رفاه، دچار عارضه فساد نشده‌اند، جامعه‌شناسان و سیاست‌پژوهان دلایل مختلفی را بر شمرده‌اند، از جمله اینکه بخش عمده‌ای از نبود فساد به سنت اجتماعی این کشورها مربوط می‌شود (Mungiu-Pippidi, 2013: 59-86 and Anderson, 1973: 419-473)

(The Swedish Ombudsman and Pope, 2000) برای مثال بکسلیوس، چهره کنترل گر «دادرس سوئدی» (The Swedish Ombudsman) را که در طول تاریخ به وجود آمده است این گونه به تصویر می‌کشد: «رئیس دادگاه وفاداری نهادی و اولیه و مهم‌تر از همه را به سمت پادشاه داشت و بنابراین این ایده شروع به ترویج کرد که برای نظارت بر دولت از موضع استقلال واقعی نیاز به یک پست اداری وجود دارد» (Bexelius 1967: 171).

در سال ۱۷۶۶ ملاکان سوئدی قانونی را تصویب کردند که می‌تواند اولین قانون آزادی اطلاعات^۱ در جهان تلقی شود: «طبق اصول مندرج در آن قانون، کلیه اسناد (با استثنائات خاص) که در آن تصمیم‌گیری‌های مقامات وجود دارد، بایستی عمومی شوند (Bexelius 1967: 170). برخی نیز در تشریح دلیل این امر به این موضوع اشاره کرده‌اند که چون جوامع در این کشورها کوچک هستند، امکان بروز و ظهور فساد نیز وجود ندارد (Feldbæk, 2000: 123-128).

دولت رفاه در ذات خود مشتمل بر تنظیم مقررات در دستگاه‌های دولتی است. خطری که می‌تواند متوجه بخش دولتی شود آن است که از سوی شهروندان غیرکارا تلقی شود. این موضوع یک مسئله خاص برای دولت رفاه ایجاد می‌کند. واقعیت ساده اقتصادی این است که اندازه‌گیری کارایی در بخش دولتی دشوار است؛ درحالی‌که بنگاه‌های اقتصادی در بخش خصوصی می‌توانند هرگونه بهبود در کارایی را در قالب افزایش سود یا روند کاهشی قیمت نشان دهند؛ بنابراین، بخش دولتی در مقابل حملاتی که آن را به ناکارایی متهم می‌کنند، بسیار آسیب‌پذیر است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدافعان دولت رفاه سال‌هاست متوجه این خطر شده‌اند و شعار «ما برای حفظ دولت رفاه باید آن را اصلاح کنیم!» را سر داده‌اند. پیامد این موضوع، تلاش‌های جدی برای مدرنیته کردن بخش دولتی است همچون کاربست فن‌آوری‌های جدید و مدیریت دولتی نوین. مفهوم سنتی شغل دولتی - استخدام دائم و امنیت شغلی بالا، حقوق بازنشستگی بالا و حق بیمه

¹ Freedom of Information Act "Sweden's Freedom of the Press Act 1766"

تنها دویست سال بعد و در سال ۱۹۶۷ آمریکایی‌ها قانونی شبیه به این قانون تصویب کردند.

صورت‌بندی اصول بنیادین توسعه در مدل نوردیک (رضا رحمتی) ۲۳۱

بازنشستگی کم - به سرعت در حال ناپدید شدن است. بخش دولتی به طور فزاینده‌ای با استفاده از الگوهای موفق و شاخص‌های عملکردی، کارایی خود را در معرض دید قرار می‌دهد. برون‌سپاری بخشی از مسئولیت‌های دولتی به بخش خصوصی با اینکه ممکن است با ایده‌های سنتی سوسیال دموکرات در تقابل باشد، کاملاً مرسوم شده است. با این حال، روح اصلاحات در دولت رفاه این ایده را که برون‌سپاری ممکن است از لحاظ سیاسی ضروری و یک مصالحه درخور قبول باشد، پذیرفته است (Svendsen, 2009: 219).

داده‌های سازمان شفافیت بین‌الملل، از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۱۸ در هر سال دانمارک را در صدر مبارزه با فساد در جهان قرار داده و بعد از آن با فاصله بسیار کمی، نروژ، سوئد، فنلاند قرار دارند. جدول شماره دو این ترتیب‌بندی را نشان داده است.

جدول ۲: داده‌های سازمان شفافیت بین‌الملل ۲۰۱۵-۲۰۱۸ (منبع: International Transparency)

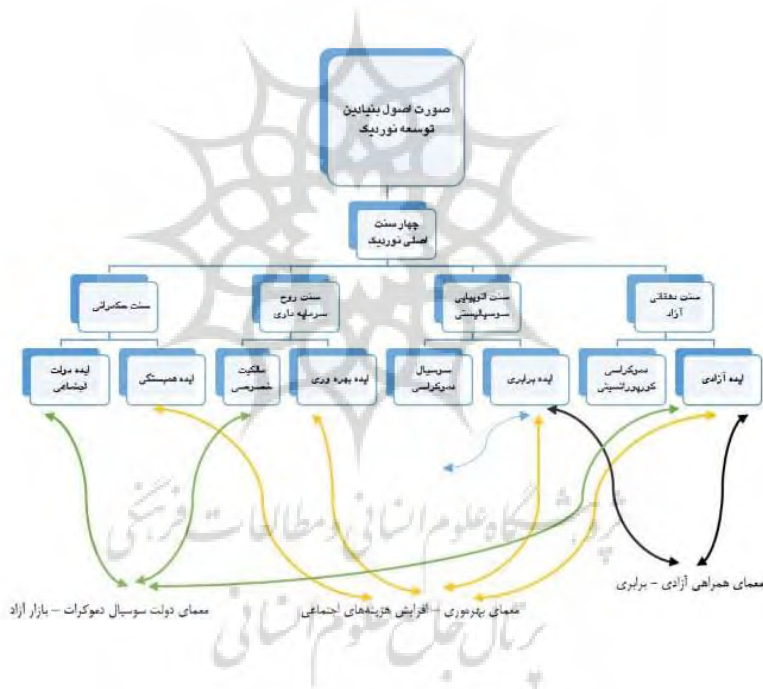
شماره	کشور	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵
۱.	دانمارک	۸۸	۸۸	۹۰	۹۱
۲.	نیوزلند	۸۷	۸۹	۹۰	۹۱
۳.	فنلاند	۸۵	۸۵	۹۰	۹۰
۴.	سنگاپور	۸۵	۸۴	۸۴	۸۵
۵.	سوئد	۸۵	۸۴	۸۹	۸۹
۶.	سوئیس	۸۵	۸۵	۸۶	۸۶
۷.	نروژ	۸۴	۸۵	۸۵	۸۸

همچنان که مشاهده می‌شود، کشورهای حوزه نوردیک در میان ۱۸۰ کشور جهان، در بالاترین رتبه و جایگاه قرار دارند. سازمان شفافیت بین‌الملل (Transparency International) (CPI) شاخص ادراک با فساد (Corruption Perceptions Index) را از زمان آغاز به کار در سال ۱۹۹۵ به شاخص مهمی در عرصه جهانی برای مبارزه با فساد در بخش دولتی تبدیل کرده است. شفافیت بین‌الملل، هر ساله با انتشار فهرست خود میزان نسبی فساد در بین

۱۸۰ کشور مورد بررسی را ارائه و منتشر می‌کند. این شاخص در سال ۲۰۱۲ دچار اصلاحاتی شد و به صورت سالانه منتشر شد.

برای به دست آوردن معیارها، مجموعه‌ای از ارزیابی‌ها و نظرسنجی‌ها انجام می‌شود که هر یک از صفر (بسیار فاسد) به صد (بسیار تمیز) متغیر است. هرچه عدد شاخص کشور به عدد صد نزدیک‌تر باشد، کشوری سالم‌تر و هرچه به صفر نزدیک‌تر باشد، آن کشور فاسدتر است.

شکل شماره (۸) نحوه صورت‌بندی سنت‌های اجتماعی در حل معماهای توسعه نوردیک



نتیجه‌گیری

مدل توسعه حوزه نوردیک، برآیند گفت‌وگو بین سنت‌های اجتماعی به‌ظاهر متناقض (پارادوکسیکال) است. هر یک از این سنت‌ها، نماینده بخش بزرگی از جامعه نوردیک بوده

است. سنت دهقانی آزاد، سنت آرمان‌شهری سوسیالیستی، سنت سرمایه‌داری و سنت حکمرانی هر یک بخشی از نیروهای اجتماعی نوردیک را نمایندگی کرده‌اند. بدون فهم این سنت‌های اجتماعی، امکان حل کردن بسیاری از چالش‌ها و معماهای به‌ظاهر نهفته در مدل توسعه‌یافتگی این جوامع، وجود نخواهد داشت. چالش‌های درونی بین برابری و آزادی، سیاست‌های سوسیال دموکرات در جامعه و اقتصاد باز و سیاست‌های بهره‌وری و هزینه‌های اجتماعی نسبتاً بالا، چالش‌هایی هستند که مدل نوردیک آن‌ها را در خود جای داده است. با این حال آنچه مشخص است لزوم ترسیم فرایند عملی همه‌این چالش‌های موجود است؛ فرایندی که خود ریشه در سنت اجتماعی همبستگی نوردیک دارد. با استخراج این فرایند، همراهی و چشم‌انداز حکمرانی نوردیک به تصویر کشیده خواهد شد که در شکل شماره هشت به‌خوبی نمایش داده شده است. با این حال به‌دلیل اهمیت هر یک از این چالش‌ها و معماها، جامعه نوردیک باید بتواند دائماً این همبستگی را بازتولید کند و مانع از برجسته شدن هر یک از این دوگانه‌ها و برتری‌یابی آن‌ها در مقابل دیگری شود. چه اینکه، اگر برابری بر آزادی مستولی شود، نتیجه آن چیزی می‌شود که در دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در سوئد اتفاق افتاد. اگر هزینه‌های اجتماعی بر بهره‌وری پیشی گیرد، نقصان در نوآوری و خمودگی در جامعه پیش خواهد آمد؛ درست همانند آنچه در کشور فنلاند در دهه ۱۹۹۰ و اوایل قرن بیست و یکم اتفاق افتاد.

سپاسگزاری

نگارنده بر خود لازم می‌داند از داوران محترم به خاطر ارائه نظرات ساختاری و علمی سپاسگزاری نماید.

References

- Anderson, S. (1973). "Public Access to Government Files in Sweden. *The American Journal of Comparative Law*, 21(3): 419-473.
- Beddy, J. P. (1943) "A comparison of the principal economic features of Eire and Denmark". *Journal of the Statistical and Social Inquiry Society of Ireland*, XVII (2):189-220.
- Bexelius, A. (1967). "The Swedish Ombudsman". *The University of Toronto Law Journal*, 17 (1): 170-176.

- Corruption Perceptions Index 2018, Available at: <<https://www.transparency.org/cpi2018>>
- Denmark's prime minister says Bernie Sanders is wrong to call his country socialist, VOX (Oct. 31, 2015). <<https://www.vox.com/2015/10/31/9650030/denmark-prime-minister-bernie-sanders>>
- Dolvik, J. E. (2013). Grunnpilarene i De Nordiske, Modellen.
- Feldbæk Ole (2000). "The historical role of the Nordic countries in Europe". *European Review*, (8): 123-128.
- Field, J. (2007). *Social Capital*, translated by Gholamreza Ghaffari and Hossein Ramezani, Tehran: Kavir Publications (in Persian)
- Ginni I. (2018). available in: <OECD.org>
- Global Gender Gap Index (2018). available at: <<http://reports.weforum.org/global-gender-gap-report-2018/results-and-analysis/>>
- Golabi, F. (2004). *A Study of the Effect of Trust on Development with a Look at the Performance of Islamic Councils*, M.Sc. Thesis, Faculty of Social Sciences, University of Tehran (in Persian).
- Greiner, E. (2019). "The Nordic Myth: A Criticism Of The Loki That Is "Democratic Socialism". Available at: *Journal Of Law And International Affairs*: <https://sites.psu.edu/jlia/the-nordic-myth-a-criticism-of-the-loki-that-is-democratic-socialism/#_ftnref28>
- Hodgson, G. M. (2018). "What the world can learn about equality from the Nordic model". available at: <<https://theconversation.com/what-the-world-can-learn-about-equality-from-the-nordic-model-99797>>
- Kettunen, P. (1999). A return to the figure of the free Nordic peasant. *Acta Sociologica*, 42 (3): 259-269.
- Kettunen, P. (1997). The Society of Virtuous Circles. In P. Kettunen & H. Eskola (eds.), *Models, Modernity and the Myrdals*, pp. 153-173. Revall Institute Publications 8, Helsinki: The Renvall Institute for Area and Cultural Studies.
- Lin, K. (2005). Cultural Traditions and the Scandinavian Social Policy Model. *Social Policy & Administration* (39): 723 - 739.
- Middtun, A. (2014). "Greening Norway, in the Nordic Model and Ecology: High Rhetoric and Mediocre Practice", Norwegian Business School.
- Mohseni Tabrizi, A. et al. (2011). "Study of social trust with a generational view of society". *Applied Sociology*, 22 (1) 41-70. (in Persian).
- Mungiu-Pippidi, A. (2013). "Becoming Denmark: Historical Designs of Corruption Control". *Social Research: An International Quarterly*, 59-86.
- Pope, J. (2000). *Confronting Corruption: The Elements of a National Integrity System*. Berlin: TI Source Book. <<http://www.transparency.org/publications/sourcebook>, last accessed 5.18.2011>
- Rahmati, R. (2019). The impact of globalization on Iranian and Swedish citizens. *Political Knowledge*, 15 (1): 103-124. doi: 10.30497/pk.2019.2657
- Rahmati, R. (2020). Geo-Economics and Reshaping the Regional Order (Nordic, Southeast Asia and MENA). *International Political Economy Studies*, 3 (1): 151-179. doi: 10.22126/ipes.2020.3722.1071
- Rahmati, R. (2020). Nordic Normative-security Map A case study of Islam. *Political Studies of Islamic World*, 9 (2): 89-121. doi: 10.30479/psiw.2021.14081.2874
- Rahmati, R. (2020). Nordic Securitization Model: Transition of Environment from securitizing to Normalizing. *Strategic Studies Quarterly*, 22 (86): 123-150.
- Inglehart R.; Welzel, C. (2019). "The WVS Cultural Map of the World". WVS. Retrieved 6 AUGUST 2019.
- Rothstein, Bo (2009). "universal Welfare States" in *Handbook of Social Capital - The Troika of Sociology, Political Science and Economics*, Edward Elgar Publishing Limited.
- Sanandaji, N. (2015). *Scandinavian Unexceptionalism: Culture, Markets, and the Failure of Third-Way Socialism*, 18 (Institute of Economic Affairs, 2015).
- Sørensen, Ø., & Stråth, B. (1997). *The Cultural Construction of Norden*
- Svendsen Gert Tinggaard and Gunnar Lind Haase Svendsen (2009). *Handbook of Social Capital - The Troika of Sociology, Political Science and Economics*, Edward Elgar Publishing Limited.

صورت‌بندی اصول بنیادین توسعه در مدل نوردیک (رضا رحمتی) ۲۳۵

- Tausch A. (2015). Towards new maps of global human values, based on World Values Survey (6) data. Corvinus University Budapest, <<https://ideas.repec.org/p/pramprapa/63349.html>>
- Uslander E. M. (2002). The Moral Foundations of Trust, New York: Cambridge University Press.
- Weber, Max (1373). Protestant Ethics and the Spirit of Capitalism, translated by Abdolkarim Rashidian and Parisa Manouchehri Kashani, Tehran: Scientific and Cultural Publications (*in Persian*).





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی